



گفتگو با صلاح مازوجی در رابطه با نقش و جایگاه حزب کمونیست ایران



تحلیل شد موقعیت کنونی حزب کمونیست ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

رابطه حزب و طبقه همواره یکی از مباحث جدی درون جنبش کمونیستی و مشخصاً حزب کمونیست ایران بوده است. با توجه به استراتژی حزب کمونیست ایران، به نظر شما تقویت این رابطه با چه مندی می تواند پاسخ درستی بگیرد؟

حزب کمونیست ایران یکی از فعالین پروژه همگرایی و نزدیکی نیروها و جریانات چپ و کمونیست در چند سال اخیر بوده است. این فعالیت ها چه اهدافی را تعقیب می کند؟

۱۱ شهریور امسال حزب کمونیست ایران ۳۰ ساله می شود. این حزب در شرایط ویژه ای تشکیل شد. اوضاع سیاسی و بستری که ضرورت تشکیل این حزب را در آن زمان ضروری ساخت کدامها بودند؟

نقدهایی بر نقش و کارکرد حزب در اوضاع سیاسی مختلف که منجر به جدایی بخشی از کادرهای این حزب در دو مقطع گردید، صورت گرفت! با توجه به عملکرد و تجربه زمانی، اکنون چه ارزیابی ای از این مسائل دارید؟

با توجه به گذشت سه دهه از فعالیت حزب تحت حاکمیت اختناق جمهوری اسلامی و محدودیت های زیادی که به فعالیت حزب در عرصه های مختلف



حزب کمونیست ایران سی ساله شد!

فرهاد شعبانی



به یاد قربانیان کشتار جمعی تابستان شصت و هفت در زندانهای رژیم اسلامی



اطلاعیه شماره یک کمیته مرکزی کومه‌له در رابطه با "کنگره ملی کرد"

نئولیبرالیسم، بحران و فراختر شدن شکاف طبقاتی



گفتگو با صلاح مازوجی در رابطه با نقش و جایگاه حزب کمونیست ایران

اوت ۲۰۱۳



جهان امروز: اشتهرور امسال حزب کمونیست ایران ۳۰ ساله می شود. این حزب در شرایط ویژه ای تشکیل شد. اوضاع سیاسی و بستری که ضرورت تشکیل این حزب را در آن زمان ضروری ساخت کدامها بودند؟

صلاح مازوجی: همانطور که می دانید حزب کمونیست ایران در شهریور سال ۱۳۶۲، در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران زیر تهاجم خونین ضد انقلاب اسلامی آخرین سنگرهای خود را از دست داده بود. ضد انقلاب سرمایه اسلامی که در جریان انقلاب توده ای ۱۳۵۷ در غیاب حضور مستقل طبقه کارگر در صحنه سیاسی، قدرت را به تصرف خود در آورده بود با بازسازی ارتش و دیگر نهادهای سرکوبگر و سازمان دادن نهادهای ضد انقلابی جدید هیچ فرصتی را برای تعرض به صف انقلاب از دست نداد. جنبش شورایی کارگران ایران که در جریان انقلاب و از دل کمیته های اعتصاب سر برآورده بود مورد تهاجم قرار گرفت و شوراهای کارگران در مراکز مختلف کار و تولید یکی بعد از دیگری از پا درآمدند و فعالین و سازمان دهندگان آن به زندان افتادند و یا اعدام شدند. جنبش زنان که با تظاهرات توده ای علیه حجاب اجباری در اولین ۸ مارس بعد از قیام ۲۲ بهمن نیروی خود را به نمایش گذاشته بود، سرکوب شد. جنبش مبارزاتی مردم ترکمن صحرا به خون کشیده شد. تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه ها و نهادهای دانشجویی یورش برده شد و جنبش دانشجویی درهم کوبیده شد. با تهاجم و لشکرکشی به کردستان و میلیتاریزه کردن شهرها، محورهای اصلی عقب نشینی های گسترده ای به جنبش انقلابی کردستان تحمیل شد و فعالیت مسلحانه نیروی پیشمرگ به نماد اصلی تداوم جنبش انقلابی در کردستان تبدیل شد. در واقع ضد انقلاب اسلامی جنبش های پیشرو اجتماعی را به سبانه ترین شیوه در هم کوبید و هزاران نفر از انسانهای انقلابی را دستگیر و روانه شکنجه گاهها و جوخه های مرگ نمود.

حزب کمونیست در شرایطی تأسیس شد که با گذشت چهار سال از حاکمیت ضد انقلاب بورژوایی نیروهای چپ و رادیکال ایران با بحران و تشتت فکری روبرو شده بودند. روند

انقلاب ایران و نقش عینی طبقه کارگر و جنبش توده ای در سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه به بسیاری از باورها و مواضع پوپولیستی این جریان ها مهر بطلان کوبیده بود. تئوری های "ضد امپریالیستی" این جریان ها در برابر هیاهوی ضد آمریکایی ضد انقلاب اسلامی رنگ باخته بودند. از طرف دیگر تعقیب و بگیر و بندهای گسترده، شکنجه های وحشیانه و موج اعدام ها، بخشی از سازمان های چپ را عملاً منحل کرده بود. در چنین شرایطی تشکیل حزب کمونیست بوسیله بخشی از نیروهای جنبش کمونیستی ایران، یک پاسخ انقلابی و سنگربندی جدیدی بود، در مقابل تهاجم افسار گسیخته ضد انقلاب حاکم که انقلاب توده های مردم ایران را به خون کشیده بود.

اگرچه این حزب در بدو تشکیل، فاقد پایه اجتماعی نیرومندی در سطح سراسری بود، اما در تهران و شهرهای بزرگ ایران و بویژه در محیط های کارگری حضور داشت و طیف نسبتاً گسترده ای از فعالین کمونیست را همراه خود داشت و در کردستان نیز از اعتبار اجتماعی برخوردار بود و به یک جنبش توده ای گسترده متکی بود. اما در آن شرایط تشدید اختلاف سیاسی و ضربات بی وقفه پلیسی در سطح سراسری و عقب نشینی های پی در پی در کردستان شرایط فعالیت ما را با دشواری های زیادی روبرو کرد.

جهان امروز: نقدهایی بر نقش و کارکرد حزب در اوضاع سیاسی مختلف که منجر به جدایی بخشی از کادرهای این حزب در دو مقطع گردید، صورت گرفت! با توجه به عملکرد و تجربه زمانی، اکنون چه ارزیابی ای از این مسائل دارید؟

صلاح مازوجی: برمتن تداوم و تشدید اختلاف سیاسی و دشواری هایی که به فعالیت حزب در داخل ایران در آن زمان تحمیل شده بود و تار شدن دورنمای کارگری شدن حزب در دل آن اوضاع و بر متن عقب نشینی جنبش مسلحانه و با تیره شدن افق جنبش توده ای در کردستان و محدودیت های زیادی که بعد از پایان جنگ ایران و عراق به بخش علنی تشکیلات کردستان تحمیل شده بود، اولین انشعاب از حزب در سال ۱۹۹۰ انجام گرفت. اکثریت رهبری و بخش وسیعی از کادرهای حزب

تحت تأثیر انشعاب جریان موسوم به کمونیسم کارگری فعالیت های حزب در داخل و در بعد سراسری برای یک دوره با رکود مواجه شد و بازسازی ارتباطات و مکانیسم های پیشبرد این فعالیت ها به زمان نیاز داشت. اما نه در انشعاب اول و نه در انشعاب دوم پایه و نفوذ اجتماعی حزب در شهرهای کردستان دچار انشقاق و از هم گسیختگی نشد. در بخش علنی تشکیلات انشعاب یک واقعیت عینی بود، اما کومه له بعنوان یک جریان اجتماعی معین نفوذ و اعتبار خود را در جامعه و در قلب شهرها حفظ کرد. افکار عمومی

در کردستان علیرغم جارو جنجال و هیاهوی تبلیغاتی یکی، دو سال اول، سازمان زحمتکشان را بعنوان کومه‌له برسمیت نشناخت و آنها را در حاشیه احزاب و جریان‌های ناسیونالیست کردستان نشانده. تجربه هر دو انشعاب به ما نشان می‌دهد تا زمانی که حزب کمونیست ایران به بخش جدایی‌ناپذیری از جنبش اعتراضی طبقه کارگر تبدیل نشده است، باز هم انقلابی‌گری خرده بورژوازی و ناسیونالیسم از صفوف ما تغذیه خواهد کرد.

جهان امروز: با توجه به گذشت سه دهه از فعالیت حزب تحت حاکمیت اختناق جمهوری اسلامی و محدودیت‌های زیادی که به فعالیت حزب در عرصه‌های مختلف تحمیل شد موقعیت کنونی حزب کمونیست ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صلاح مازوجی: حزب کمونیست ایران به اعتبار قاطعیت مواضع و سیاست هایش در قبال رژیم جمهوری اسلامی و پایبندی اش به دفاع از منافع کارگران در تند پیچ‌های مبارزه سیاسی و به اعتبار سیاست‌ها و تاکتیک‌های منتج از یک استراتژی سوسیالیستی که محک پراتیک و تجربه صحت آنها را به اثبات رسانده است، از اعتبار فراوانی در میان کمونیست‌های ایران برخوردار است. این حزب اگر چه تاریخاً از پایه اجتماعی نیرومندی در میان طبقه کارگر و زحمتکشان کردستان برخوردار بوده، اما در یک دهه گذشته نفوذ و اعتبار آن بطور چشمگیری افزایش یافته است و همین حزب را در موقعیت مناسب تری برای پیشروی‌های بعدی قرار داده است.

از سوی دیگر تحرک و تحولات جدید جنبش کارگری که از اوایل دهه ۸۰ آغاز شد و همچنین، انشعاب جریان ناسیونالیستی از کومه‌له که به مواضع طبقاتی و جهت‌گیری‌های کارگری حزب شفافیت و عمق بیشتری بخشید، نقش برجسته‌ای در روند پیشروی حزب ایفا کردند.

مبارزات کارگران از اوایل دهه ۸۰ در مقایسه با مبارزات کارگری در دهه ۷۰ که عمدتاً جنبه خود بخودی داشت یک روند آگاهانه‌تری بخود گرفت. از اوایل دهه ۸۰ فعالین و پیشروان جنبش کارگری انسجام بیشتری به فعالیت‌های خود بخشیدند. پیوند و ارتباط میان نسل قدیم فعالان کارگری با نسل جدید که در دل مبارزات کارگری پرورده شده بودند گسترش پیدا کرد. طیف نسبتاً گسترده‌ای از فعالین کارگری در تشکلهای و نهادهای مختلفی خود را متشکل کردند و فعالیت‌های خود را

هماهنگ نمودند. این تشکلهای و نهادهای کارگری در یک دهه گذشته نقش برجسته‌ای در اشاعه آگاهی طبقاتی و فرهنگ تشکلیابی در میان کارگران ایفا کرده اند، چهره‌هایی از فعالین و رهبران کارگری را به جامعه معرفی کرده و نقش زیادی در معرفی جنبش کارگری ایران به افکار عمومی جهان و جلب حمایت تشکلهای و نهادهای کارگری ایفا نموده اند. این تشکلهای که کاملاً مستقل از دولت عمل می‌کردند نقش زیادی در افشای سیاست و عملکرد ضد کارگری تشکلهای زرد دولتی خانه کارگر، شوراهای اسلامی و انجمن‌های صنفی ایفا کرده اند و اعتماد به نفس جنبش کارگری را بالا برده اند.

تأثیرات سیاسی و معنوی حزب کمونیست ایران بر این روند بر اعتبار جریان ما در میان فعالین و پیشروان کمونیست جنبش کارگری افزوده است و همین پشتوانه محکمی برای پیشروی‌های بعدی است. بدون شک مانع‌های ذهنی و عینی مختلفی سر راه فعالیت و پیشروی‌های حزب قرار دارد که باید این مانع‌ها را شناخت و برای رفع آنها قدم برداشت.

جهان امروز: رابطه حزب و طبقه همواره یکی از مباحث جدی درون جنبش کمونیستی و مشخصاً حزب کمونیست ایران بوده است. با توجه به استراتژی حزب کمونیست ایران، به نظر شما تقویت این رابطه با چه مندی می‌تواند پاسخ درستی بگیرد؟

صلاح مازوجی: برای حزب کمونیست ایران امر تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و جلب کارگران به صفوف تشکیلات و تشویق آنان به تشکیل حوزه‌های کمونیستی و حزبی یک کار هر روزه و روتین است. فعالین حزب در داخل شهرهای ایران همین امر را محور فعالیت خود قرار داده اند. از طرف دیگر در میان مراجعات روزانه از طریق کانال‌های ارتباطی با ارگان‌های مربوطه حزب، اولویت با منظم کردن و تحکیم رابطه با کارگران است. البته همه اینها در حوزه فعالیت آرام و روتین و خشت روی خشت گذاشتن می‌گنجد. این کار و تبلیغ و ترویج سوسیالیستی همیشه لازم و ضروری است، چون یکی از اولین پیش شرط‌های براه انداختن یک جنبش اجتماعی برای سوسیالیسم درجه معینی از نفوذ عقاید کمونیستی و وجود افراد و عناصر کمونیست در جامعه است و هر چه ماتریال انسانی و دامنه کادری این جنبش گسترده تر شود، تسهیلات بیشتری برای پیشروی فراهم می‌آید، اما روشن است که هیچ حزبی تنها از طریق ایجاد هسته‌ها و حوزه‌های حزبی توده‌ای نمی‌شود. ایجاد پیوند گسترده با فعالین

و رهبران جنبش کارگری و صحت استراتژی سیاسی و پاسخگویی به نیاز جنبش‌های واقعی از زاویه منافع کارگران نقش تعیین‌کننده‌ای در توده‌ای کردن یک جریان کمونیستی و برپایی یک جنبش وسیع سوسیالیستی دارد.

بنابراین گسترش نفوذ حزب در میان کارگران و تحزب‌یابی کارگران در ابعاد توده‌ای، از کانال گسترش و تحکیم پیوند معنوی، سیاسی و تشکیلاتی با طیف فعالین و رهبران سوسیالیست جنبش کارگری می‌گذرد. یکی از فاکتورهای عینی که تحزب‌یابی کمونیستی کارگران را ضروری و ممکن می‌سازد وجود همین طیف از فعالین سوسیالیست است. این دسته از فعالین و پیشروان جنبش کارگری که امروز در هدایت و رهبری مبارزات جاری کارگران برای رسیدن به مطالباتشان نقش ایفا می‌کنند و فعال مبارزه برای تشکلیابی کارگران هستند، در جریان مبارزه و تلاش برای ارتقای دانش سیاسی خود به آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی دست یافته اند. این بخش از فعالین کارگری به انقلاب اجتماعی و به حکومت کارگران و به الغای مالکیت خصوصی می‌اندیشند و رهائی طبقه کارگر را امر خود کارگران می‌دانند.

وجود این هسته بزرگ از فعالین کمونیست در درون جنبش کارگری که به نقش تاریخی طبقه کارگر آگاهند و فن مبارزه کردن در دل اختناق کنونی را به خوبی آموخته اند یکی از دستاوردهای عظیم طبقه کارگر است. حزب از طریق همفکری و دیالوگ فعال و صمیمانه و به دور از هر گونه سکتاریسم و خود بزرگ بینی با این طیف از فعالین کارگری حول پاسخگویی به مسائل و معضلاتی که سر راه پیشروی جنبش کارگری قرار دارد و با نشان دادن ظرفیت‌های خود در پاسخگویی به این معضلات است که می‌تواند پیوند خود را با جنبش کارگری گسترش دهد. حزب لازم است در این مسیر فعالین کارگری را به هم نزدیک و آنها را متحد کند. استراتژی سیاسی حزب کمونیست ایران که در کنگره یازدهم حزب بر اساس آخرین تجارب و دستاوردهای حزب مورد ارزیابی و جمع‌بندی قرار گرفت مبنای خوبی برای بهم نزدیک کردن و وحدت فعالین کمونیست جنبش کارگری است.

علاوه بر آنچه گفته شد اثبات صحت استراتژی سیاسی حزب در تجربه عملی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتماعی شدن حزب داشته باشد. برای مثال گسترش نفوذ و اعتبار اجتماعی بلشویک‌ها در فاصله ماه فوریه ۱۹۱۷ که هنوز در بسیاری از شوراها در اقلیت بودند تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به سبب

را دارد. برخی از احزاب و نیروهای دیگر نیز هر کدام نقشه های خود را تعقیب می کنند و بعضی ها هم در خلاء استراتژیک بسر می برند. اما همانطور که می دانیم انقلاب مطابق نقشه ما انجام نمی گیرد، چه بسا جامعه وارد دوره انقلابی شود و ما دوره تدارک و آمادگی برای تأثیر گذاری بر روند انقلاب را به انجام نرسانده باشیم و طبقه کارگر آمادگی سازمانی برای پیروزی رساندن انقلاب را کسب نکرده باشد. در چنین شرایطی که نمونه آن در تونس و مصر اتفاق افتاد، وجود یک قطب سیاسی چپ و رادیکال می تواند جنبش کارگری را در توازن قوای مناسب تری برای پیشروی و مقابله با آلترناتیوهای ساخته و پرداخته جبهه نیروهای بورژوازی و امپریالیستی قرار دهد. بر خلاف پاره‌ای تحریفات موجود، ما تلاش برای شکل دادن به قطب سیاسی چپ را جایگزین استراتژی سیاسی حزب کمونیست ایران که محور اصلی آن کمک به سازمانیابی طبقه کارگر است، نکرده ایم. اما تلاش برای ایجاد قطب سیاسی چپ و همکاری های عملی با نیروهای انقلابی و چپ و رادیکال، در خدمت تقویت و به پیروزی رساندن جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی وجه جدایی ناپذیری از یک استراتژی سوسیالیستی است. پاسخ دادن به این ضرورت سیاسی و شکل دادن به قطب سیاسی چپ از مسیر دخالتگری سیاسی و موضع گیری سریع و به موقع در قبال مهمترین مسائلی که به زندگی و مبارزات کارگران و مردم در سطح ایران و منطقه مربوط می شود و همچنین از کانال سازماندهی همکاری های گسترده در دفاع از جنبش های پیشرو اجتماعی و علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. نیروهای چپ و کمونیست لازم است در قبال وظایف کلانی که اوضاع سیاسی کنونی ایران از آنها می طلبد خود را پاسخگو بدانند. باید جرأت پرداختن به کارهای بزرگ را از خود نشان داد. متأسفانه برخی از نیروها هنوز هم فکر می کنند که ما برای سازماندهی مبارزه ایدئولوژیک دور هم جمع شده ایم. در صورتی که ما واقعیت اختلاف نظر بر سر مبانی برنامه و استراتژی های سیاسی جداگانه را مفروض گرفته‌ایم و باید با توجه به وجود نقاط مشترک در ارزیابی از وضعیت سیاسی و برخی همسویی ها در تحلیل صف بندی های سیاسی موجود در جامعه، و وظایفمان در قبال جنبش های اجتماعی، همکاری و اتحاد عمل مجموعه نیروها را سازمان دهیم و در قبال مسائل مهم جامعه به موقع واکنش نشان دهیم.

متفاوت یک واقعیت عینی است، ما همواره تلاش کرده ایم که وجود این اختلافات مانع آن نشود که این دسته از فعالین و پیشروان که از نفوذ کلام و اعتبار زیادی در جنبش های اجتماعی برخوردار هستند، در یک صف واحد و یکپارچه علیه جمهوری اسلامی و دیگر نیروهای بورژوازی در دفاع از مطالبات خود ظاهر شوند. در همین راستا مقابله با روحیات و گرایشات فرقه گرایانه و سکتاریستی یکی از پیش شرط های هماهنگی و اتحاد عمل گسترده بخش پیشرو و رادیکال جامعه در مقابله با سیاست های رژیم و یکی از پایه های شکل دادن به قطب سیاسی چپ می باشد. سطح دیگری از تلاش ما برای شکل دادن به قطب سیاسی چپ که رابطه نزدیکی با بخش اول فعالیت ما دارد، همکاری با احزاب، سازمان ها و نهادهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران است. این نیروها علیرغم تأکید بر اهداف پایه ای مشترک، استراتژی های سیاسی جداگانه ای در پیش گرفته اند و وجود همین استراتژی های جداگانه است که تفرقه و پراکندگی جنبش چپ و سوسیالیستی ایران را توضیح می دهد. ما تمایزات و اختلاف نظر اساسی بر سر استراتژی سیاسی با این جریان ها را برسمیت می شناسیم. با اینحال با توجه به داشتن نقاط مشترک در ارزیابی از وضعیت سیاسی جامعه و برخی همسویی ها در تحلیل شرایط مبارزه طبقاتی و صف بندی های سیاسی موجود در جامعه، همکاری و اتحاد عمل با این نیروها را امری ممکن می دانیم. اتحاد عمل و همکاری بین نیروهای موجود در سطح جنبش چپ و کمونیستی ایران مستقل از طول و عرض تشکیلاتی این نیروها، به لحاظ سیاسی و روانی شرایط مناسب تری را برای همکاری فعالین رادیکال درون جنبش های اجتماعی در داخل ایران فراهم می آورد. جدای از اینها، در شرایط کنونی تلاش برای ایجاد یک قطب سیاسی چپ یک ضرورت سیاسی است. اگر باور داریم که انقلاب را نمی توان به طور دلخواه به راه انداخت و زمان وقوع انقلاب توده ای را نمی توان پیش بینی کرد، اما مجموعه ای از فاکتورهای دخیل در تبیین اوضاع سیاسی ایران، از جمله ناکارایی آلترناتیو و راه حل های سرمایه دارانه در حل و فصل بحران های موجود، درماندگی جناح های مختلف رژیم در عبور دادن سرمایه داری از موقعیت کنونی، فقر و فلاکت اقتصادی و بیزاری عمومی از ادامه حاکمیت رژیم، می توانند مقدمات سیاسی تحولات مهمی در اوضاع ایران باشند. حزب کمونیست ایران برای کمک به امر پیروزی انقلاب نقشه و استراتژی سیاسی خود

تبلیغ و رواج عقاید ایدئولوژیک بلشویک ها در میان کارگران و دهقانان و سربازان و بلشویک کردن تک تک آنها نبود، بلکه پیوستن کارگران و دهقانان فقیر در ابعاد میلیونی به حزب بلشویک تنها وقتی اتفاق افتاد که جنبش کارگری و جنبش دهقانی همان راهی را در مبارزه سیاسی دنبال کردند که استراتژی سیاسی بلشویک ها بر آن اصرار می کرد. یا رشد کومه له در سال های اول بعد از انقلاب ۵۷ و تبدیل آن از یک سازمان فعالین کمونیست با دامنه محدود تشکیلاتی به یک سازمان وسیع توده ای و اجتماعی صرفاً به دلیل تبلیغ و رواج باورهای سوسیالیستی کومه له نبود، بلکه روی آوری وسیع کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی به کومه له اساساً به این دلیل بود که این بخش از جامعه کردستان در دفاع از خواسته های برحق و عادلانه خود و برای مقابله با سیاست ها و تعرض دولت مرکزی و ارتجاع محلی همان مسیری را انتخاب کردند که استراتژی و سیاست های کومه له بر آن پافشاری می کرد.

جهان امروز: حزب کمونیست ایران یکی از فعالین پروژه همگرایی و نزدیکی نیرو و جریانات چپ و کمونیست در چند سال اخیر بوده است. این فعالیت ها چه اهدافی را تعقیب می کند؟

صلاح مازوجی: همانطور که می دانید حزب کمونیست ایران در راستای تلاش برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و بهبود توازن قوا به نفع مبارزات آنان، همواره از هر مبارزه آزادیخواهانه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از هر جنبشی که برای برچیدن مصائب و تبعیضات و نابرابری های موجود در نظام سرمایه داری برپا شده پشتیبانی کرده است. در همین رابطه جریان ما اتحاد عمل و همکاری های عملی با نیروهای انقلابی و چپ و رادیکال، در خدمت تقویت و به پیروزی رساندن جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و در خدمت تقویت گرایش سوسیالیستی در درون این جنبش ها را امر خود می داند و این جهت گیری وجه معینی از استراتژی سیاسی حزب را تشکیل می دهد. بر اساس جهت گیری ها و مبانی فوق ما در دو سطح برای شکل دادن به یک قطب سیاسی رادیکال و چپ تلاش کرده ایم.

با توجه به اینکه وجود طیفی از فعالین و پیشروان رادیکال و سوسیالیست در درون جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی با گرایشات سیاسی و نظری و سبک کاری

فرهاد شعبانی



حزب کمونیست ایران سی ساله شد!

در بیانیه پایانی کنگره موسس حزب کمونیست ایران در باره تشکیل حزب آمده است: «حزب کمونیست ایران اینک، پس از دهها سال تفرقه و تشتت در جنبش طبقه کارگر ایران، برای تحقق دورنمایی که مارکس، انگلس و لنین پیشاروی پرولتاریای جهان قرار داده اند، تشکیل شده است. حزب کمونیست ایران برای همان هدفی مبارزه می کند که کمونیست های انقلابی جهان از مانیفست کمونیست تا امروز برای دستیابی به آن قاطعانه جنگیده اند. حزب کمونیست ایران، گردانی از ارتش جهانی طبقه کارگر است که پیروزی انقلاب اجتماعی پرولتاریا و ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی را هدف و آرمان خود قرار داده است. توحش ضد کمونیستی بورژوازی که امروز در مقیاس جهانی سازمان یافته است و دهها سال عملکرد مخرب رویزیونیسم و تاثیرات زیانبار آن بر جنبش کارگری و کمونیستی، حزب کمونیست عصر ما را با شرایط عینی ویژه ای روبرو می سازد. این شرایط ایجاب می کند که حزب کمونیست از ابتدای کار برای طولانی ترین و خونین ترین نبردها با بورژوازی هار و سازمان یافته آماده باشد، صفوف خود را برای مبارزه و جانبازی در سخت ترین شرایط اختناق و سرکوب پلیسی و نظامی آموزش دهد و آماده کند، انضباط آهنین پرولتری را در درون خود برقرار سازد، در همه حال سمبل و مظهر خلوص و استواری کمونیستی در ایدئولوژی و سیاست باشد و یکدم از درهم کوبیدن افکار و آراء و سیاست های بورژوایی در جنبش طبقه کارگر باز نایستد».

در ادامه می خوانیم: «حزب کمونیست ایران حزب استوارترین، خستگی ناپذیرترین و فداکارترین کارگران و مبارزین کمونیست ایران است. حزب کمونیست ایران دستاورد پر ارزش انقلاب ایران است که هیچ نیرویی قادر به بازپس گیری آن نیست. حزب کمونیست ایران می تواند و باید به حزب توده ای کارگران ایران بدل شود. حزب ما می تواند و باید به نیروی پرولتاریای انقلابی ایران و دوشادوش بخش های مختلف طبقه کارگر جهانی، بر متن ورشکستگی و اضمحلال روز افزون رویزیونیسم در سطح جهانی و بحران اقتصادی مرگباری که جهان سرمایه داری را فراگرفته است، ستاد رزمنده

را بر زندگی و مبارزه طبقه کارگر آشکار نمود. در سال های اخیر ارتجاع اسلامی که دهه ها بعنوان حکومت سایه در انتظار تصرف قدرت مانده بود، در نبود یک آلترناتیو سوسیالیستی و بر متن بحران جهانی سرمایه داری موقتا قدرت سیاسی را در برخی از کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه تصرف کرد. اما بعلت نداشتن پاسخ اقتصادی به خواستها و مطالبات کارگران، در این کشورها جدال طبقاتی همچنان در جریان است و طبقه کارگر با تلاش برای غلبه بر نقطه ضعف های سازمانی و تشکیلاتی اش مبارزه طبقاتی را به پیش می برد. در پهنای کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان و سوریه جنگ های مذهبی براه افتاده و پیروان مذاهب دین اسلام بیرحمانه بجان هم انداخته شده اند. هم چنین در سال های اخیر بحران سرمایه داری عمق بیشتری پیدا کرد و بحران مالی بانک ها به جلوه و مجرای فوران بیرونی بحران اقتصادی سرمایه داری تبدیل شد. بحرانی که نه تنها زندگی میلیونها کارگر را به تباهی کشاند، بلکه دور دیگری از مبارزه و مقاومت طبقه کارگر در کشورهای صنعتی و در حال توسعه و فقیر را به دنبال داشت. روندی که ما شاهد رشد و اوج گیری آن هستیم.

حزب کمونیست ایران سی سال پیش با پیش بینی تداوم و تعمیق بحران سرمایه داری در ایران و جهان، و پس از دو سال بحث و جدل فکری، تدارک سیاسی - تشکیلاتی، برگزاری سمینارهای متعدد و آماده کردن اسناد پایه ای آن، بر متن دو تحول سیاسی، از یک طرف حضور قدرتمند یک جنبش توده ای در کردستان و اجتماعی شدن یک جریان کمونیستی بر متن و در رهبری این جنبش و از طرفی دیگر حمله شدید و همه جانبه ضد انقلاب اسلامی به جنبش شورایی کارگران و موجودیت سازمان ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست در بعد سراسری، و در شرایطی که هر دو حرکت نیاز به پیوند و یافتن راههای مبارزه و مقاومت در مقابل این تعرض وحشیانه سرمایه داری اسلامی به دستاوردهای انقلاب و تداوم انقلاب را عمیقا حس می کردند، تشکیل شد. تشکیل حزب کمونیست ایران بعنوان تداوم مبارزه کارگران و کمونیست ها با افق و چشم اندازی سوسیالیستی، در واقع پاسخ انقلابی و شایسته به نیازهای زمانه خود بود.

یازده شهریور امسال مصادف است با سی امین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران. در نگاهی اجمالی به رویدادهای سی سال گذشته و با مروری مختصر بر اهداف و آرمان های اولیه تشکیل حزب و فراز و نشیب های آن، نقش و تاثیر تشکیل و سی سال فعالیت این حزب بر تحولات سیاسی ایران و کردستان را بررسی می کنیم.

سی سال از تشکیل حزب کمونیست ایران گذشت. در این سه دهه ایران، خاورمیانه و جهان دگرگونی های بسیاری را بخود دیده است. در ایران و بر متن شکست قیام عظیم مردم در سال ۵۷ یک ضد انقلاب بورژوا-اسلامی توانست سی و چهار سال به حیات مملو از جرم و جنایت و استعمار بیرحمانه نیروی کار طبقه کارگر، و کشتار کمونیست ها و آزادیخواهان ادامه دهد. اما، مقاومت طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در مقابل این رژیم هار و ضد کارگر همچنان ادامه دارد. جنبش های اجتماعی از جمله، جنبش کارگری علی رغم هزینه های سنگین مبارزه و مقاومت همچنان به حیات پویای خود ادامه می دهند. جنبشی که حزب کمونیست ایران برای هدایت و همراهی با آن و بعنوان ابزار تحقق شعار محوری آزادی، برابری و حکومت کارگری سی سال پیش تشکیل شد.

مهم ترین تحول سه دهه اخیر فروپاشی اتحاد شوروی و اقمار او در اروپای شرقی و سمبل این فروپاشی، دیوار برلین بود. بدنبال این رویداد تئوریسین های بورژوازی شیپور گوش خراش پایان تاریخ را به صدا درآوردند، اما طولی نکشید که بی پایه گی این تئوری آشکار شد، و بازگشت به مارکس تا آنجا پیش رفت که؛ علاوه بر انتشار مجدد آثار این رهبر بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی جهان در سطح وسیع، اخیرا آثار او توسط یونسکو در فهرست حافظه بشریت به ثبت رسید.

در همین دوره نمادهای قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا، یعنی دوقلوهای مانهاتان، کاخ سفید و مقر پنتاگون مورد حمله قرار گرفت و بهانه ای شد برای اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا به منظور تسلط بر منابع تامین انرژی جهان. در همین دوره تروریسم اسلامی دوجانبه دولتی و احزاب ارتجاعی اسلامی اپوزسیون به اوج خود رسید و پیامدهای این رویدادها اثرات منفی خود

طبقه کارگر جهانی، اترناسیونال نوین کمونیستی، را برپا دارد».

و در بخش دیگری از بیانیه آمده است: «جنبش ما راهی دشوار و پرفراز و نشیب را طی کرده است. راه آینده، به مراتب طولانی تر و دشوارتر است. موانع بسیار و بزرگند، اما پیروزی نهایی حزب کمونیست ایران قطعی است. ما همه کمونیستها و کارگران آگاه ایران را به پیوستن به صفوف این حزب و مبارزه در راه انجام وظائف تاریخی و پرفتخار آن فرا می خوانیم».

در این چند پاراگراف برگرفته از بیانیه پایانی کنگره موسس حزب تمام آن رویدادهایی را که پیش روی ما قرار گرفته بود، پیش بینی شده بود. حزبی بر متن تفرقه و تشتت در جنبش کارگری، حزبی متکی بر اهداف و استراتژی مارکسیستی، حزبی آماده برای رویارویی با بورژوازی در نبردی طولانی و خونبار، حزبی متشکل از استوارترین کمونیست ها، حزبی برای پیوند با طبقه کارگر و جهت گیری توده ای شدن و بر متن تعمیق بحران جهانی سرمایه داری. اینها برخی از خصوصیات و ویژگی های حزبی بود که سی سال پیش توسط شماری از کمونیست های ایران تشکیل شد. حزبی که در پیام اولین کنگره اش کارگران را به وحدت و همبستگی دعوت کرد، و آنها را برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در همان روزهای تشکیل خود فراخوان داد و بعنوان پیام کنگره موسس اش خطاب به کارگران ایران چنین گفت: «کدامیک از شما هنوز نمی داند که راه نجات ما از این همه مشقت و تیره بختی، از این همه محرومیت و بی حقوقی اتحاد و همبستگی ماست؟ کدامیک از شما پس از این انقلاب خونین هنوز نمی داند که ما کارگران، بدون اتحاد و بدون قدرت متشکل و مستقل خود، حتی در فردای توده ای ترین قیام ها و بی رحمانه ترین تسویه حساب ها با حاکمان جبار و ستمگر، نصیبی جز آنچه امروز عایدمان شده است نخواهیم داشت؟ بی شک رمز پیروزی ما اتحاد و همبستگی ماست. حزب کمونیست ایران در دل مبارزه و نبردکنان متولد می شود. از کردستان انقلابی که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) رهبر یک جنبش توده ای و سازمانده یک جنبش انقلابی است، تا شهرهای سراسر ایران که فعالیت کمونیستی می باید در سیاه ترین شرایط اختناق و ترور پلیسی ادامه یابد، حزب ما برای سازماندهی صف متحد و مستقل طبقه کارگر ایران مبارزه می کند. حزب ما، حزب کارگران، حزب تهبی دستان

و محرومانی است که برای حکومت کارگری، الغای مالکیت خصوصی و برای سوسیالیسم مبارزه می کند. ما شما را به تشکل در حزب کمونیست ایران فرا می خوانیم».

حزب کمونیست ایران در شرایطی تشکیل شد که نمی توانست در برگیرنده همه پیشروان و فعالین جنبش کارگری ایران باشد، طبقه کارگر که نقشی تعیین کننده در پیروزی یک قیام میلیونی داشت اما بعلت ضعف های سازمانی و ناتوانی در رهبری این قیام و اعمال هژمونی بر حرکت و مبارزه اقشار شرکت کننده در آن قیام، خود به قربانی قیامی که به پیروزی رسانده بود، تبدیل شد. اما از آنجا که مضمون شماری از شعارهایش به شعور اجتماعی تبدیل شده بود برخی از دستاوردهای مبارزاتی اش تثبیت ولی نتوانست قدرت سیاسی را کسب و یا در آن مشارکت داشته باشد. حزب کمونیست ایران با علم به ضعف های طبقه کارگر در جریان قیام و برای غلبه بر آن بعداز تشکیل مستقیما به سراغ طبقه کارگر رفت و ضمن تلاش صمیمانه برای پیوند با این طبقه، راه رهائی قطعی را از همان آغاز تشکیل و تاکنون هم در گرو ایجاد تشکل های مستقل طبقه کارگر و پیوستن این طبقه به حزب سیاسی - کمونیستی خود ارزیابی کرد. جهت گیری که طی سه دهه گذشته و علی رغم موانع و کج فهمی ها و شتاب خرده بورژوازی برای تحقق آن، از هیچ تلاشی دریغ نشده و هنوز هم یکی از اولویت های حزب و استراتژی حزب کمونیست ایران مصوب آخرین کنگره حزب بر تحقق این جهت گیری ها استوار است.

حزب کمونیست ایران در کردستان تشکیل شد و شماری از کنگره هایش را در مناطق آزاد شده کردستان برگزار کرد. اگر اولین کنگره حزب کمونیست اول ایران در سال ۱۲۹۹ در بندر انزلی برگزار شد، و انزلی و مبارزات کارگران و مردم شهر انزلی با این رویداد مهم به تاریخ پیوست. تشکیل حزب کمونیست ایران در کردستان از نقطه قوت های جنبش انقلابی مردم کردستان و نشان از تحولی طبقاتی در مبارزات مردم کردستان و نوید حضور طبقه کارگر و کمونیست ها بر متن و رهبری این جنبش بود. حزب کمونیست با تشکیل خود مبارزه برای تحقق خواست های مردم مبارز کردستان که تا آن زمان از ارکان استراتژی کومه له بود را به یکی از محورهای فعالیت خود تبدیل کرد، و طبقه کارگر ایران را به حمایت از خواسته ها و مطالبات برحق مردم کردستان فراخواند. حضور فعال در مبارزه مسلحانه برای تحقق

خواست حق تعیین سرنوشت مردم کردستان یعنی حق جدائی و تشکیل دولت مستقل، رهبری گرایش رادیکال و کمونیستی درون جنبش انقلابی مردم کردستان و سازماندهی طبقه کارگر در کردستان به محورهای اصلی فعالیت کومه له با یک چشم انداز روشن و سوسیالیستی تبدیل گردید. کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در سه دهه گذشته از جریانات پیگیر و راسخ و راستگویی تحقق خواست های مردم مبارز کردستان بوده است.

کنگره موسس حزب کمونیست ایران پیام خود به مردم کردستان را در آغاز تشکیل چنین فرموله کرد: «کنگره موسس حزب کمونیست ایران همراه با ادای احترام به شهیدان راه آزادی خلق کرد، گرمترین دروهای انقلابی خود را نثار شما مردم رزمنده و مبارز می کند. این کنگره در کردستان انقلابی یعنی در سرزمینی برگزار گردید که بیش از چهار سال است با ناپالم و راکت و گلوله های خمپاره و توپ رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی شخم زده و زیرو رو می شود. در میان مردمی که نه فقط بار ستم دهها و صدها ساله را بر شانه دارند، بلکه در حال حاضر نیز مورد وحشیانه ترین یورش ها و تجاوزات غیر انسانی قرار گرفته و در برابر آن مقاومت سرسختانه و قهرمانانه ای را بخاطر آزادی و کسب حقوق عادلانه خویش پیش می برند.

خلق ستمدیده و مبارز کرد!

برای درهم شکستن و بیرون راندن جمهوری اسلامی از کردستان، برای بدست آوردن خودمختاری و برقراری حاکمیت توده های مردم در کردستان، برای کسب حق تعیین سرنوشت و رهائی از ستم ملی به دور حزب کمونیست، به دور سازمان کردستان این حزب یعنی کومه له گرد آید!».

کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) همانطوریکه اشاره شد با تمام دشواری های سر راه مبارزه، در تلاشی پیگیر در جهت تحقق خواسته های مردم کردستان نه تنها در رهبری کردن این مبارزه نقش تعیین کننده ایفاء کرد، بلکه هرگونه تلاشی برای به انحراف بردن جنبش را خنثی و به شکست کشانیده است. جلوگیری از چیرگی یاس و ناامیدی همزمان با پایان جنگ ایران و عراق، خنثی کردن تلاش برای تقلیل خواسته های مردم کردستان تا سطح چند خواست فرهنگی در دوره اصلاحات خاتمی، و معامله پنهانی بر سر خواسته های مردم کردستان، افشای گره زدن سرنوشت مبارزات مردم کردستان

به تحقق استراتژی آمریکا در منطقه در جریان حمله این کشور به عراق، تدوین سند حاکمیت مردم کردستان بر سرنویشت خود؛ و تلاش برای نفوذ معنوی در جنبش کارگری و رایکالیزه کردن جنبش های اجتماعی زنان و جوانان؛ و زنده کردن سنت مقاومت توده ای مردم علیه رژیم بر متن دیکتاتوری خشن و فراخوان دو اعتصاب عمومی بزرگ ۱۶ مرداد ۸۴ و ۲۳ اردیبهشت سال ۹۰ از صفحات کارنامه پرافتخار کومه له سازمان کردستان حزب است.

تشکیل حزب کمونیست ایران، از همان آغاز با واکنش های متفاوتی روبرو شد. از یک سو امید به آینده را در دل کارگران، زندانیان سیاسی و مردم زحمتکش کردستان و ستمدیدگان در ایران را تقویت کرد، از طرفی دیگر با واکنش ها و انتقادات ناصمیمانه، خصمانه و دشمنی آشکار روبرو شد.

واکنش ناصمیمانه شماری از احزاب و سازمان های سیاسی چپ خرده بورژوازی پرو روس و نبریده از مائویسم که سالها حزب کمونیست ایران را زیر ضرب انتقادات شکننده و غیر سازنده خود قرار دادند. رفتار خصمانه و انتقام جویانه احزاب و جریانات ناسیونالیستی در کردستان که با رشد و قدرتمند شدن کومه له زمین زیرپایشان داغ شده بود؛ و دشمنی حزب توده و اکثریت و جمهوری اسلامی در یک جبهه، با حزب کمونیست ایران که در صدد نابودی حزب و پایه های قدرت این حزب بودند، را می توان برشمرد.

در راستای رفع این موانع و خنثی کردن دشمنی ها، حزب و فعالینش به موازات شفافیت بخشیدن به اهداف و آرمانها و جهت گیریهایش، و درگیر شدن در نبردی به وسعت همه جبهه های مبارزه طبقاتی، به نبردی فکری با منتقدین پرداخت و واکنش های منفی به تشکیل حزب و اهداف برنامه ای اش را پاسخ گفت، و از تشکیل حزب بعنوان بخشی از مبارزه برای متحد کردن طبقه کارگر و شیوه کاری کمونیستی دفاع کرد. در عین حال سیاست ها و عملکرد ضد دمکراتیک جریانات ناسیونالیست در کردستان را افشاء و مردم کردستان را به مبارزه علیه آن فراخواند، و خود در مقابل سیاست ها و کردار ضد دمکراتیک دست به مقاومتی پرهزینه زد. و در جبهه جنگ علیه جمهوری اسلامی مقاومت و مبارزه ای شجاعانه را در همه سنگرهای مبارزه پیش برد و به افشای ماهیت ضد کارگری و ضد مردمی حزب توده و اکثریت پرداخت. در باره تمام رویدادهای روز، از جمله ماهیت ارتجاعی جنگ دولت های ایران و عراق و تاثیرات مخربش بر زندگی مردم و قیام آنها، قانون ضد

کارگری جمهوری اسلامی، حمله به زنان، حمله به مردم کردستان و رهبری مقاومت عادلانه آنها و شرکت فعال در جنبش انقلابی مردم کردستان و بسیاری دیگر از رویدادهای ایران، منطقه و جهان بصورت شفاف موضعگیری کرد، و در عین حال به نقد تجربه شوروی پرداخت.



و اما هنگامی که جدال طبقاتی در ایران در حال گسترش بود، دیدیم که تداوم انقلاب کارگران با یورش وحشیانه تر ضد انقلاب بورژوازی روبرو شد و بسیاری از کارگران مبارز و کمونیست ها و سازماندهندگان مبارزات کارگری در قتل عام دهه ۶۰ جان سپردند. همزمان با این، جنگ ایران و عراق آغاز شده بود، جنگی که برکتی برای سرمایه داران بود. در این هنگام بود که شاهد رکود دوره انقلابی، تثبیت جمهوری اسلامی، عقب نشینی نیروی نظامی کومه له به پشت مرزهای کردستان عراق و از دست دادن مناطق آزاد، و سرانجام دور شدن حزب کمونیست ایران از موضوع کار، بودیم. این وقایع و رخدادها باعث شد تا اپوزیسیونی از درون حزب بر علیه خود حزب شکل بگیرد. این اپوزیسیون در حالیکه قدرت مانور اصلاح سبک کار و شیوه های رهبری و هدایت حزب بسمت اهدافش را در درون حزب داشت، اما از این ظرفیت بهره نگرفت و حزب و سازمان کردستانش را تا آستانه سقوط پیش برد؛ نه تنها این، بلکه با امید به انحلال حزب کمونیست ایران، حزب را ترک و این بزرگترین ضربه به یکی از قدرتمندترین حزب کمونیستی مسلح ایران در تاریخ معاصر بود. حزب کمونیست ایران این بحران را از سر گذراند و با بازتعریف اهداف و آرمان های اولیه خود و بخصوص با اتخاذ مواضع رادیکال و سوسیالیستی در تمام قلمروهای مبارزه داخلی و بیرونی، راه خود را در میان تند پیچ ها و با غلبه بر موانع ادامه

داد. کنگره هفتم کومه له که در تابستان سال ۱۳۷۱ و سه سال بعد از این رویداد برگزار شد در ضمیمه گزارش سیاسی خود به ارزیابی از این جدائی و علل آن پرداخت که در بخشی از آن چنین آمده است:

۱. با افول دوره انقلابی و تثبیت سلطه جمهوری اسلامی، چه در کردستان و چه در مقیاس سراسری اعتراض اقشار و طبقات غیره کارگری پایان می گیرد و حزب کمونیست نیز از پایگاه مادی و منبع نیرو و انرژی خویش به درجه زیادی محروم می گردد. با کم رنگ شدن تب و تاب های سیاسی و دور شدن از اثرات انقلاب ۵۷ و تضعیف پایه مادی حزب کمونیست ایران معضل منزوی بودن حزب از اعتراض طبقاتی کارگران، بیگانگی فعالیت عملی حزب با مبارزه عینی طبقه کارگر عیان تر از همیشه آشکار می شود و موجودیت حزب را به مثابه جریانی رادیکال که بر طبق مواضع رسمیش می بایستی حزب اعتراض اجتماعی طبقه کارگر باشد، تحت فشار قرار می دهد. تحت این فشار واقعی است که با مباحثات مربوط به سازمان یابی کارگری، کار کمونیستی در میان کارگران، بالا می گیرد و همزمان و بادور شدن از انقلاب ۵۷ مباحث مربوط به جنبش جهانی کمونیستی، بازبینی تاریخی این جنبش، علل جدائی کمونیست ها از جنبش طبقه کارگر، انقلاب کارگری و تجربه شوروی، ضروری می گردد.

۲. این مباحثات قبل از هر چیز با عدم جدیت رهبری در پیگیری آنها روبرو می شود. کنگره دوم حزب که نقطه مهمی در تکامل این مباحثات بود به تکانی جدی در این زمینه در رهبری حزب منجر نمی گردد و تک تک اعضا کمیته مرکزی حزب به فعالیتی بسیار پائین تر از حد ظرفیت خود، به فعالیتی که در بهترین حالت فقط قادر به نگهداری حزب در وضع موجود اکتفاء می نمایند. جالب این است حتی آن دسته از کسانی که در کمیته مرکزی حزب بیش از دیگران سنگ ضرورت و مبرمیت پیشبرد عملی این مباحثات را به سینه می زدند، خود در مرکز این انفعال و بی عملی قرار می گیرند. به جای تعمیق و گسترده کردن مباحثات، به جای دنبال کردن استنتاجات پراتیکی و عملی ناشی از آنها، در رهبری حزب هر کسی سعی می کند به اپوزیسیون بغل دستی خود تبدیل شود و گناه پیش نرفتن اثباتی این مسئله را به گردن وی بیاندازد، اما کسی به سراغ خود آن مسائل نمی رود. رهبری حزب در جا می زند.

چهره جمهوری اسلامی تحت عنوان اصلاحات حکومتی، انشعابی دیگر از نگاهی راست و ناسیونالیستی در کومه له و حزب کمونیست با حضور کمتر از بیست درصد از اعضا و کادرهای حزب و کومه له صورت گرفت. برخلاف انشعاب قبلی این جدائی به نقطه قوت حزب کمونیست ایران تبدیل شد. ناسیونالیسم ساکت و پنهان در حزب با تحولات اجتماعی سال ۷۶ و تلاش اصلاحات حکومتی برای تقلیل خواست های مردم کردستان تا سطح چند خواست فرهنگی به استقبال از آن رفت و کومه له را به امید کسب موقعیتی مشابه در کردستان عراق ترک کرد. در یک جمله کومه له و حزب کمونیست ایران با این جدائی تقویت شدند و زمینه های پیوستن شمار زیادی از کارگران مبارز در داخل به حزب و کومه له فراهم آمد و حزب کمونیست ایران و کومه له جهت گیری های کارگری - کمونیستی خود را بدون مزاحمت های این گرایش به سیاست روز و عملی تبدیل کرد.

همانطوریکه اشاره کردم حزب با این انشعاب تقویت شد و با شفافیت هر چه بیشتری پیرامون تحولات جامعه ایران، حمله آمریکا به عراق، بحران سرمایه داری جهانی و پیامدهایش، تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه موضعگیریهای رادیکال سوسیالیستی اتخاذ کرد. حزب با تلاش و جانفشانی بیسابقه برای سازمانیابی طبقه کارگر در شکل های توده ای و پیوستن به حزب سیاسی کمونیستی وارد فعالیت عملی جدی تری شد. حزب کمونیست ایران امروز در مقایسه با هر زمان دیگری از موقعیت مناسب تر و مقبول تری برخوردار است. حزب کمونیست ایران یکی از احزاب کمونیست مورد اعتماد کارگران نه تنها در کردستان بلکه بطور نسبی در بعد سراسری است. حزبی مورد اعتماد کارگران و مردم مبارز کردستان، حزبی مورد احترام احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و کمونیست فعال در ایران با داشتن مناسباتی مسئولانه با این جریان است.

همانطوریکه در کنگره موسس حزب گفته شد، نبرد همچنان ادامه دارد و حزب کمونیست ایران تا برقراری پیوند عمیق با پایه اجتماعی اش، و تا پیوستن میلیونی کارگران به حزب فاصله زیادی دارد که باید با اتخاذ استراتژی انقلابی پر شود. مصوبات کنگره یازدهم استراتژی راهبردی حزب برای رسیدن به این اهداف را پیش پای فعالین آن قرار داده است. اتخاذ این استراتژی ما را بسمت هدف می برد و شانس دست یابی به اهداف اولیه حزب که همچنان به آن وفاداریم بیش از هر زمان دیگری است.



۵. در چنین شرایطی کمیته مرکزی حزب و کمیته اجرایی که خود در رکود و بی عملی مطلق به سر می برد به جای اینکه مسئولانه و دلسوزانه به چاره جویی های عملی برای تخفیف واقعی مشکلات تشکیلات کردستان پردازد و در اجراء و پیشبرد راه حل های واقع بینانه و عملی با کمیته مرکزی کومه له همکاری کند از این شرایط برای ساکت کردن و بر سر جای خود نشان دادن کمیته رهبری کومه له که به ابزار مخالفت های محدودی با رهبری حزب می پرداخت و کمیته مرکزی و کمیته اجرایی حزب دیگر نفوذ کلام سابق را بر این ارگان نداشتند، استفاده می کند و بدین ترتیب نوک تیز انتقادات و مباحثاتی که قرار بود چاره جوی پر کردن شکاف کمونیسم و طبقه کارگر در مقیاس جهانی باشد متوجه اردوگاه های کومه له و ابراز "اعاده اتوریته رهبری حزب" بر رهبری کومه له و حل معضل کوتاه بینانه تری و حقیرترین انگیزه ها و تمایلات شخصی و سیاسی قرار می گیرد.

بر متن چنین شرایط درونی و بیرونی بود که صف بندی های تشکیلاتی مصنوعی و گرایشات و اختلاف نظرهای یک شبه در حزب کمونیست ایران شکل گرفت، و شماری از رفقای ما حزب را ترک و حزب دیگری تشکیل دادند. مدافعان حزب کمونیست ایران به سرنشینان کشتی طوفان زده ای تشبیه شدند که سکاندار کشتی نومیدانه و مایوس آنها را بسوی ساحل نجات اما در میان امواج طوفان هدایت می کند. برای غرق شدن این کشتی طوفان زده قید زمانی چند ماهه تعیین شد، اما حزب کمونیست ایران به ساحل رسید و با برگزاری کنگره چهار حزب و کنگره هشتم کومه له با اعتماد به نفس بیشتر و عزم راسخ تری سیاست ها و جهت گیری هایش را ادامه داد.

در مسیر حرکت و مبارزه و بر متن تحولات اجتماعی در ایران، و رنگ و لعاب زدن به

۳. در چنین شرایطی کومه له نیز با مسائل خاص خود دست به گریبان است. از جمله:

فعالیت نظامی کومه له را تحت فشار گرفته بود. تلفات سنگین سال های اخیر و عقب نشینی های مداوم تا استقرار در پشت مرزها و در درون اردوگاههای مستقر در کردستان عراق فضای سنگینی بر تشکیلات حاکم کرده بود. ادامه کاری فعالیت مسلحانه در فردای صلح کامل ایران و عراق زیر سؤال بود. و ...

جانباختن تعدادی کثیری از کادرهای برجسته کومه له در جنگ با جمهوری اسلامی و حزب دمکرات که بخشی مهمی از استخوان بندی و چهره رزمنده تشکیلات را تامین کرده بود، قدرت مقابله ما را برای روبرو شدن با مشکلات رو به ازدیاد و حوادث و شرایط دشواری که در راه بود به درجه زیادی کاهش داده بود.

طولانی شدن دوره اردوگاه نشینی و زندگی منزوی از جامعه و محرومیت از مناسباتی طبیعی - اجتماعی و عوارض ناشی از آن، روشن نبودن دورنمای خاتمه این وضعیت در کوتاه مدت، ناآرامی و اضطراب پوشیده و آشکاری را در میان بخش وسیعی از رفقای مستقر در اردوگاه های کومه له بوجود آورده بود. بمباران چند باره اردوگاه های کومه له به وسیله دولت عراق و سلب امنیت کامل از زندگی همگی مزید بر علت.

سوزاندن و ویران کردن دهات و شهرهای کردستان عراق و کشتارهای جمعی رژیم عراق که همگی جلو چشمان رفقای ما جریان داشت و سکوت تبلیغی ما در قبال این قضایا تشکیلات ما را بیش از پیش تحت فشار و در منگنه قرار می داد.

کاهش اتوریته معنوی کمیته مرکزی کومه له که خود دلائل متعددی داشت. از جمله روش های نادرست در رهبری تشکیلات (تکیه بر روابط محفلی به جای قرار و مدارها. ضوابط تصویب شده حزبی در فعالیت روزمره، نادیده گرفتن قرارها و مصوباتی که حاصل تفکر جمعی و آگاهانه بود. قایل نبودن محدودیت بر اختیارات خویش و خود را فعال مایشاء دیدن در همه زمینه ها) کم شدن نفوذ کلام در تشکیلات به دلیل برخورد سهل انگارانه به ارتقاء آگاهی و دانش سیاسی خود، وارد دیالوگ نشدن با مخالفین سیاسی خود و واگذار کردن آنها به فرهنگ و روش های خود به خودی تشکیلات، ابراز وجود نکردن رهبری در عرصه های جدید به دنبال کاهش اهمیت فعالیت نظامی و ...

اطلاعیه شماره یک کمیته مرکزی کومه له در رابطه با "کنگره ملی کرد"

آن دوری گزیند.
۳ - کومه له نیاز حکومت محلی کردستان عراق را برای "تشنج زدایی" و تنظیم مناسبات خود با دولت های منطقه به رسمیت می شناسد. اما کنگره ملی کرد نمی تواند ابزار پیشبرد چنین سیاستی باشد. در این رابطه کومه له با دعوت دولت های سرکوبگر مردم به عنوان مهمان به کنگره مخالف است.

۴ - کومه له در همانحال که مناسبات دیپلماتیک احزاب سیاسی فعال در بخش های مختلف کردستان با دولت های حاکم در منطقه را برسمیت می شناسد، اما تأکید می کند که این مناسبات نباید به بهیچوجه زبانی به جنبش های حق طلبانه مردم کردستان در بخش های دیگر برساند.

۵ - نیروهای شرکت کننده در کنگره دارای حقوق و اختیارات یکسانی هستند و کومه له با هر گونه هژمونی طلبی و تحمیل سیاست ها و روشهای این یا آن گرایش بر فضای کنگره و بر روند پیشرفت مباحثات آن مخالفت می کند و خواهان رعایت اصول و ضوابط دموکراتیک بر روند تدارک و برگزاری کنگره می باشد. نگرانی کومه له از این لحاظ واقعی است و در چنین تلاش هایی را مشاهده کرده است و در فرصت های مختلف به طور علنی مورد انتقاد قرار داده است.

۶ - در عین اینکه برگزاری هرچه زودتر این کنگره ضروری است، اما کاری را که سالهاست به دلایل گوناگون به تعویق افتاده است نمی توان با عجله کاری به انجام رساند. نیاز به بحث و دیالوگ پیرامون مسائلی که در این کنگره طرح خواهند شد، آگاه گری و شرکت دادن بیشتر مردم در این روند، این تجربه را در حافظه مردم کردستان، در همه بخش های آن، ثبت خواهد کرد و مانع به انحراف کشیده شدن و شکست آن خواهد شد. کومه له دو ماه تاخیر در این زمینه را پیشنهاد کرده است و به تعویق انداختن کنگره را گامی در جهت تدارک مؤثرتر آن می داند.

۷ - از نظر کومه له پیام این کنگره به دولت های حاکم در کشورهای همجوار، ادامه مبارزه تا تحقق کامل خواست ها و مطالبات عادلانه و حق طلبانه مردم کردستان است. در همانحال پیام این کنگره برای مردم ملت های دیگر که در جوار ملت کرد در کشورهای مختلف زندگی می کنند، پیام همبستگی

مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت ملت کرد زیر یک سقف گرد آورد، هر بار به دلیل انحصار طلبی این یا آن نیروی سیاسی و یا به علت دست اندازی دولت های سرکوبگر مردم کرد، با شکست روبرو شده است. طی ماههای اخیر یک بار دیگر این مسئله در دستور کار نیروهای مختلف فعال در مسئله کرد و از جمله کومه له قرار گرفت. در ادامه تلاش هایی که در این زمینه صورت گرفت، اولین اجلاس نمایندگان نیروهای سیاسی فعال در هر چهار بخش کردستان در تاریخ ۲۲ جولای در شهر اربیل - کردستان عراق برگزار گردید.

در این نشست از همان ابتدا روشن شد که نیروهای حاضر در اجلاس افق های متفاوتی را پیش روی کنگره قرار می دهند. اما علی رغم این تفاوت ها اجلاس نخست موفق شد که کمیته ای برای تدارک این کنگره مرکب از ۲۱ عضو از هر چهار بخش کردستان را سازمان دهد. کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) یکی از اعضای این کمیته است. کومه له از همان آغاز به کار این کمیته کوشید مسائل مختلف در حول و حوش کنگره را از طریق رسانه های جمعی خود به اطلاع عموم برساند، دیدگاه های خود را تشریح کرده و امیدها و نگرانی های خود را در این زمینه با مردم در میان بگذارد.

پرنسیپ ها و نکاتی که کومه له در این زمینه چه در اجلاس عمومی روز ۲۲ جولای و چه در جلسات تائکوننی کمیته تدارک کنگره بر آنها پافشاری کرده است و در روزهای آتی تا روز برگزاری کنگره و در طول برگزاری کنگره نیز آنها را پیگیری خواهد کرد عبارتند از:

۱ - تدارک کنگره بایستی به نحوی باشد که دست دولت های سرکوبگر که مستقیماً حقوق اولیه ملی مردم کرد را پایمال می کنند، از هر گونه دخالتی در این زمینه کوتاه سازد. وظیفه این کنگره اساساً ایجاد توازن قوای بهتری به نفع مبارزات مردم کردستان در رابطه با همین دولت ها است.

۲ - کنگره بایستی این اصل را که مسئله کرد در هر کدام از بخش های کردستان ویژگی خود را دارد و راه حل خاص خود را می طلبد، به رسمیت بشناسد و از هر گونه اعمال فشاری برای تحمیل یک سیاست و جهت گیری معین بر مبارزات مردم کرد در هر کدام از بخش های

مسئله کرد به عنوان یک مسئله ملی حل نشده، یکی از مسائل گرهی خاورمیانه است. چهار دولت سرکوبگر منطقه در ایران، عراق، سوریه و ترکیه مستقیماً در این مسئله درگیر هستند و با تمام قوا در برابر حل دموکراتیک و عادلانه آن ایستاده اند. اگر چه این مسئله در هر کدام از این کشورها ویژگی خاص خود را دارد، اما در عین حال مسائل بخش های مختلف کردستان بر یکدیگر تأثیر دارند. مردم کرد در هر چهار بخش کردستان عملاً در پیروزی ها، شکست ها، آوارگی ها، جنگ های داخلی، از هم دیگر تأثیر می پذیرند. کومه له به عنوان یک جریان کمونیست و انترناسیونالیست که می کوشد جنبش انقلابی مردم کردستان ایران را به پیروزی برساند، فعالیت در این عرصه را بعنوان یک مسئله منطقه ای یکی از عرصه های با اهمیت کار خود به حساب می آورد و در آن ایفای نقش خواهد کرد. در این رابطه برای خنثی کردن سیاست ها و توطئه های مشترکی که به ویژه توسط دولت های منطقه و قدرت های امپریالیستی برای به انحراف و یا به شکست کشاندن مبارزات عادلانه مردم کرد تدارک دیده می شود، فعالانه خواهد کوشید. کومه له از مبارزات مردم بخش های دیگر کردستان به گرمی پشتیبانی خواهد کرد و برای تخفیف رنج ها و آلام این مردم از هر طریق ممکن تلاش میکند.

وجود احزاب، سازمان ها و نیروهای مختلف با گرایشات سیاسی و طبقاتی متفاوت که درگیر این مسئله هستند، و بهره برداری دولت های منطقه از شکاف های موجود همواره یکی از معضلات و نگرانی های مردم کردستان در بخش های مختلف آن بوده است. کومه له تلاش در جهت تخفیف این معضلات و رفع این نگرانی ها و ممانعت از دست اندازی های دشمنان مردم کرد را امر و وظیفه تخطی ناپذیر خود می داند. کومه له در راستای چنین امری، تشکیل نهادی به نام "کنگره ملی کرد" را چنانچه به اهداف فوق خدمت کند را مکانیسم مناسبی برای کم کردن رنج و محنت مردم کردستان و گامی در جهت تداوم مبارزه برای تحقق حق تعیین سرنوشت این مردم ستمدیده می داند.

بحث و گفتگو پیرامون تشکیل "کنگره ملی کرد" سالیان طولانی است که جریان دارد. اما تلاش های عملی در زمینه ایجاد چنین نهاد پایداری که بتواند گرایشات مختلف را حول

اطلاعیه نمایندگی کومه له در خارج از کشور در باره کشتار مردم بی دفاع کرد در سوریه

منطقه "سریکانی" به دو روستای "تل حافل و تل آران" در نزدیکی شهر حلب، اقدام به کشتار مردم بی دفاع این روستاها نمودند. براساس گزارش "دیده بان حقوق بشر" در جریان این جنایت وحشتناک نیروهای اسلامگرا، ۴۵ تا ۷۰ نفر از جمله چندین کودک به طرز فجیعی قتل عام شدند. در این جنایت غیر انسانی نزدیک به ۲۰۰ نفر نیز اسیر شدند.

کومه له، این جنایت وحشیانه را شدیداً محکوم می نماید. بی تردید در شرایط کنونی سوریه که مبارزه عادلانه و برحق مردم این کشور علیه رژیم دیکتاتوری بشار اسد و برای رهایی از زندگی مملو از ستم و مشقات به انحراف کشیده شده است، تنها مبارزه متحدانه توده های کارگر و زحمتکش سوریه متشکل از کرد و عرب و تمامی اقلیت های دیگر علیه دیکتاتوری و کلیه نیروهای ارتجاعی و واپسگرا راه نجات از شرایط کنونی است.

نمایندگی کومه له در خارج از کشور



نمایندگی کومه له، در خارج از کشور در خصوص کشتار مردم بی دفاع کرد در سوریه اطلاعیه ای منتشر کرده است.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است، در سوریه به دلیل درگیری میان رژیم و نیروهای ارتجاعی و دخالت دولت های خارجی، روزانه صدها نفر از مردم جان خود را از دست می دهند و هزاران نفر نیز زخمی و آواره می شوند و محل سکونت خود را ترک می کنند. طی چند روز اخیر در ادامه جنگ ارتجاعی گروه اسلامگرای "جبهه النصر" و دولت عراق و شام در سوریه، اقدام به جنایت وحشتناکی نمودند. این نیروهای تروریستی بعداز شکست در

انسانی و مبارزاتی است. ما با هر گونه تفرقه اندازی بین انسان ها بر اساس ملیت و جنسیت و تحریک احساسات عقب مانده در این زمینه به شدت مبارزه می کنیم و خواهان آن هستیم که مردم علی رغم این گونه تفاوت ها، بر اساس هویت انسانی، بر اساس درد مشترک و سرنوشت مشترکی که در ارتباط با رژیم ها و طبقات حاکم دارند، با همدیگر متحد و متفق باشند. این محتوای پیام ما به این مردم است و هرگونه یکسان گرفتن منافع این مردم با منافع دولت های حاکم را مردود می دانیم.

۸ - کومه له در زمینه با موفقیت برگزار شدن این کنگره احساس مسئولیت می کند و امیدوار است که محدود نگری، انحصار طلبی، تلاش برای استفاده ابزاری از این کنگره نتواند مانع این موفقیت شود و در هر حال به عنوان تجربه ای در مبارزات مردم کردستان به ثبت برسد.

کمیته مرکزی کومه له
(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

سوم اوت ۲۰۱۳

دو هفته همبستگی و کارزار

برای نجات جان انسانهای بی دفاع در زندان های ایران



یکی از عرصه های مبارزه ما در داخل و خارج از کشور است.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران دستگیری و محاکمه فعالین جنبش های اجتماعی و موج تازه اعدام ها در ایران را محکوم می کند، و کلیه واحدهای تشکیلاتی حزب کمونیست ایران در همه کشورهای جهان را فرامیخواند در کمپین و کارزار دو هفته ای که از امروز دوشنبه ۲۲ جولای آغاز و به مدت دو هفته ادامه می یابد، با دست بردن به هرگونه ابتکاری برای افشاگری و جلب حمایت از زندانیان در ایران حضور فعال داشته باشند. یکبار دیگر به جهانیان نشان دهیم که، جمهوری



اسلامی با روحانی یا احمدی نژاد همان جمهوری اسلامی کشتار ۶۱ و ۶۷ است. به همین مناسبت همه احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و آزادیخواه، نهادهای کارگری و مردم آزادیخواه داخل و خارج از کشور را دعوت می کنیم با همبستگی و اتحاد، با مبارزه و مقاومت مانع از تکرار کشتار بیرحمانه ی دیگری توسط جمهوری اسلامی شویم

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران طی اطلاعیه ای به تاریخ دوشنبه ۲۲ جولای ۲۰۱۳ برابر با ۳۱ تیرماه ۱۳۹۲ کارزاری دو هفته ای را در دفاع از زندانیان در ایران اعلام کرد. متن اطلاعیه را در زیر ملاحظه می کنید:

از چند هفته پیش به این سو، موج دیگری از دستگیری، محاکمه فعالین کارگری و مخالفین، و اعدام زندانیان در زندانهای جمهوری اسلامی براه افتاده است. بقاء جمهوری اسلامی تنها و تنها با سرکوب، شکنجه و اعدام ممکن است. کشتار و سرکوب سرشت تمام دولتها و رئیس دولتها و قوای سه گانه این نظام طی سی و چهار سال گذشته بوده است. آخرین دولتی که در نمایش انتخاباتی سال ۸۴ به قدرت رسید، با کشتار مردم به پا خواسته در سال ۸۸ آنرا ادامه داد، با موج دیگری از اعدام انسانهای بی دفاع در زندانها از صحنه خارج می شود. رئیس دولتی که در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی سهمیم در تمام جنایتهای این نظام است، در صدد است ورودش را به صحنه تصمیم گیری اجرائی با دست بردن به کشتار زندانیان و ایجاد محیط رعب و وحشت آغاز کند. حسن روحانی که کشتار مردم و دانشجویان در تیرماه سال ۷۸ در پرونده جنائی اش ثبت شده است، نمی تواند ماهیت و سرشتی جزء دیگر سران این نظام داشته باشد. حسن روحانی در صدد سازش با غرب و سرکوب در داخل است، چنین سیاستی را تنها با مبارزه و مقاومت در تمام صحنه های مبارزه می توان پاسخ داد. مبارزه علیه اعدام و برای نجات جان زندانیان بی دفاع،

فرشید شکری

نئولیبرالیسم، بحران و فراختر شدن شکاف طبقاتی

حذف یارانه‌ها و اعمال ریاضت اقتصادی که با بحرانی‌تر شدن سرمایه داری ایران بطور همه جانبه ای به اجراء درآمده اند، تا بدین زمان تعطیلی بسیاری از رشته های بزرگ و کوچک تولیدی در هر دو بخش دولتی و خصوصی، اخراج سازی های وسیع، شانه خالی کردن کارفرمایان از پرداخت به موقع دستمزدها، گرانی و تورم، توزیع تکان دهنده ی نابرابری اقتصادی، اوجگیری درصد نداری و دورتر شدن فاصله ی اغنیاء با فقرا بوده است.

باری، آمار و ارقامی که زیر مجموعه های سازمان ملل متحد مثل سازمان جهانی غذا (F.A.O) و یونیسف درباره افزایش کمی فقرا، گرسنگی و مرگ و میر انتشار داده اند، ابعاد هولناک فلاکت طبقه کارگر جهان و ایران را تا اندازه ای توضیح می دهند. این گزارشات که سواى هویدا کردن تلفات جانی ناشی از خشکسالی، قحطی و کمبود مواد غذایی در ممالک در حال توسعه، به آمار بیکاری، بی سرپناهی، فقر و مصائب عمومی در سطح دنیا اختصاص دارند، گواه بر شدت و حدت حملات طبقات حاکم به سفره ی کارگران و توده های فردوست بدون اعتنای به تحقیقات انجام شده، و هشدارهای متوالی نسبت به روی دادن یک تراژدی غیر قابل جبران در دهه های آینده است.

بنا بر گفته "ماکس ویلیام" مشاور ارشد سیاست گذاری های موسسه آکسفام، در هر دقیقه ۱۰۰ نفر از مردم جهان به خیل عظیم فقیران و گرسنگان افزوده می شوند. موسسه آکسفام معتقد است برای کمک به کشورهای فقیری که در پی بحران سرمایه داری در این چند سال بیش از دیگر کشورها با مشکلات روبرو شده اند، باید بودجه ای بالغ بر ۱۷۰ میلیون یورو معادل ۲۹۰ میلیون دلار به پروژه های فقرزدایی در این کشورها اختصاص دهند.

مضاف بر این موسسه ی تحقیقات بین المللی سیاست غذایی (IFPRI) چندی پیش در گزارشی تفصیلی اعلام کرد که میزان فقر و گرسنگی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سطح هشدار دهنده ای رسیده است. گزارش این موسسه تحقیقاتی در حالی چاپ شده که سازمان ملل نیز می گوید: «بهای مواد غذایی طی سال های آتی افزایش خواهد یافت و باعث خواهد شد تا کشورهای فقیر متکی به واردات، با خطر گرسنگی

جنوب (جهان سوم یا پیرامونی)، طبقات حاکمه از وحشت برآمدهای قهری لایه های زیرین و فروریزی پایه های رژیم های خود، در حد کمتری سرویس هایی به فرودستان جامعه ارائه می دادند.

بدین ترتیب تا دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی و تا قبل از نضج سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی از آمریکا و بریتانیا به نقاط دیگر، و آنگاه پیروزی دنیای سرمایه داری آزاد بر سرمایه داری دولتی، بودجه آن کمک های دولتی، و گاه هم رفرم‌ها یا اصلاحاتی به دلیل فشار مبارزات کارگری، از سوی نمایندگان سیاسی طبقات بالا دست تمامی کشورهای متروپل، توسعه یافته و عقب مانده در قوانین تأمین اجتماعی گنجانده می شد. معهذای پس از عروج نئولیبرالیسم و تسلط بازار آزاد وضعیت به گونه ی دیگری رقم خورد. در این دوره و سپس تر با شروع بحران اقتصاد کاپیتالیستی [۱] در پنج، شش سال گذشته، نهاجمات وسیع تری در قیاس با قبل به دستاوردهای نسبی مبارزات کارگران جهان و سطح معیشت آنان در دستور سرمایه داران و دولت‌هایشان قرار گرفت. ما به ازای سمت گیری اقتصادی مذکور به اضافه اعمال ریاضت اقتصادی در این مقطع، خود را در پایین رفتن خدمات و گران شدن این خدمات، کاستن از هزینه های کمک رسانی به مستمندان، قطع مزایای کارگری، بالا بردن سن بازنشستگی و کاهش حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی، منجمد کردن دستمزدها و بیکارسازی های چندین میلیونی کارگران نشان داد.

در ایران هم جمهوری اسلامی به سان دیگران برای اثبات لیاقت خود به بورژوازی این کشور و بورژوازی جهانی، و پاسخگویی به نیازهای سرمایه داران داخلی و خارجی، منهای تضييع بدون ایستای حقوق صنفی- سیاسی کارگران، بگیر و ببند فعالین و رهبران کارگری، مقابله با جنبش کارگری و کمونیستی و کشتار کمونیست ها، و سرکوب ممتد اعتراضات کارگری - که اصلی ترین دغدغه ی این رژیم بشمار میرود - همین سیاست (برنامه اقتصادی نئولیبرالیستی) را در زمان تکنوکرات ها علیه طبقه کارگر در پیش گرفت و از آن هنگام به بعد، چه در دوره خاتمی و چه احمدی نژاد، پیگیرانه برنامه ی اقتصادی نئولیبرالیستی را بکار گرفت. اصلی ترین تبعات این سیاست همپای طرح

گفته می شود که گزارشات سالانه بانک‌های مرکزی، سازمانهای تأمین اجتماعی، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی- تحقیقاتی در رابطه با فقر و نداری، ملاک و مبنایی برای ارائه خدمات به جامعه در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه می‌باشد. گویا بر اساس آن آمارها، هر ساله قسمت ناچیزی از کل درآمدها و ثروت تولید شده بدست طبقه ی کارگر، در بودجه دولت‌های بورژوازی جهت مساعدت‌های پیش پا افتاده به مردم کم درآمد و نیازمندان، لحاظ میشود.

پیداست، تخصیص و ارائه آن خدمات بواقع محصل فشار مبارزات و اعتراضات تاریخی طبقه کارگر، و جانفشانی‌ها و پیکارهای بی امان ایشان بوده است. اما، در چند سال اخیر بدبختی و فلاکت اقتصادی، و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی بیشتر و بیشتر شده است. حال این پرسش مطرح می شود که از چه روی وضعیت لایه های تحناتی کل جوامع بشری اینچنین فلاکت بارتر گردیده است؟ برای یافتن علت اندکی به گذشته برمی گردیم. در دهه های میانی قرن بیستم در ممالک سرمایه داری اروپای غربی، اسکاندیناوی که دارای دولت های رفاه بودند، ایالات متحده آمریکا، کانادا و خاور دور مانند ژاپن، چین، و... حق بیمه بیکاری، از کار افتادگی، بازنشستگی و سایر حقوق و مزایای کارگری، و نیز خدمات اجتماعی که در اثر یک سده مبارزات دائمی و پرفراز و فرود کارگران به طبقات بورژوازی آن کشورها تحمیل شده بود، برسمیت شناخته شدند. دادن آن حقوق و مزایا صرف نظر از نسبت بالا و پایین بودنشان، بواقع سیاستی به هدف حفاظت از موازنه ی اجتماعی یا به بیان روشن‌تر حفظ حیات اقتصادی و سیاسی لایه‌های فوقانی بود. این برنامه ها در واقع برای مهار واکنش‌ها (reactions) و طغیان‌هایی بکار گرفته می شدند که هر آن احتمال داشت بواسطه رشد نرخ نابرابری اقتصادی، زمینه های عینی آن عکس العمل‌ها فراهم گردند. در آن ازمنه ها اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق هم که تحت نام سوسیالیسم و کمونیسم بسان سوسیال دموکراسی و سرمایه داری لیبرال خون کارگران را در شیشه می‌کردند، ناچار به پذیرش آن حقوق و تقدیم درجه ای از خدمات اجتماعی به شهروندان خود بودند. همچنین در ممالک

جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس
خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

* جهان امروز تنها مطالبی که
صرفاً برای این نشریه ارسال
شده باشد را چاپ می‌کند.* استفاده از مطالب جهان امروز
با ذکر ماخذ آزاد است.* مسئولیت مطالب
جهان امروز با نویسندگان آن
است و تنها مطالبی که با نام
جهان امروز امضا شده باشد،
موضع رسمی نشریه است.* جهان امروز در ویرایش و
کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد
است. این امر قبل از چاپ به
اطلاع نویسنده می‌رسد.* مطالب جهان امروز با برنامه
"ورد فارسی" تایپ می‌شود و
حداکثر سقف مطالب ارسالی
سه صفحه ۴۰ با سایز ۱۲ است.

انقلابی ما کارگران جهان در ستیز با وضعیت موجود و ایجاد تغییرات ریشه‌ای است؛ درس بزرگی که رهبران بزرگ پرولتاریای جهان، کارل مارکس، هم‌رزمش انگلس و بعدها لنین به طبقه‌ی کارگر جهان دادند، و تا بدین عصر مارکسیست‌های پس از ایشان روی آن تأکید کرده‌اند. مارکسیسم «سلاح» انقلاب پرولتری و علم‌رهایی بشریت است که در مرکز آن فلسفه «عمل» قرار گرفته است.

۱ - اصولاً بحران‌های ادواری سرمایه‌داری که در ذات این نظام نهفته‌اند و درحقیقت ناشی از گرایش نزولی نرخ سود، اضافه‌تولید یا هرج و مرج در تولید می‌باشند، بمثابه عامل دومی همراه با خود بیکاری و به تبع آن ناتوانی مالی و فقر مضاعفتری را برای طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمتکش خواهند آورد. در نتیجه‌ی بحران اقتصادی سال‌های آخر دهه‌ی نود، و بحران عظیم جاری که ابتدا با ورشکسته شدن بانک‌های ایالات متحده و سقوط سهام‌وال استریت آشکار گشت و به سرعت به بانک‌ها و بازارهای بورس جهان سرایت کرد و در مراحل تکاملی خود از سرمایه‌های مالی یا عبارات صحیح‌تر از بخش اقتصاد غیرواقعی (کازینویی) به بخش اقتصاد واقعی (تولید) رسید، در این دوره شکاف طبقاتی عمیق‌تر و نابرابریهای اجتماعی به نسبت دهه‌های پیشین گسترش چشمگیری یافته است.

۲ - کتاب "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" اثر جان مینیارد کینز است. کینز در تألیف خود به تبلیغ این نظریه پرداخت که دولتها می‌توانند اقتصاد را به نحوی اداره کنند که از شر رکود و تورم در امان بمانند. او می‌گوید، با استفاده از اهرمهای کسری یا مازاد بودجه می‌شود با بحران‌های دوره‌ای مقابله کرد. "در دوره‌ی رکود، به اقتصاد پول تزریق کنید تا قدرت خرید مردم افزایش یابد و میزان تقاضا بالا برود، و در دوره‌ی تورم مالیات‌ها را افزوده کنید تا تقاضای اضافی از بین برود".



← مواجهه شوند». این سازمان در گزارش سالانه خود درباره ناامنی غذایی در جهان گفت: «بهای مواد غذایی در جهان افزایش یافته که این خود عاملی در بروز ناآرامی‌های خاورمیانه و شمال آفریقا بود. گزارش سازمان ملل خاطر نشان می‌کند که بی‌ثباتی اقتصادی، ذخیره پائین غلات و رابطه نزدیک بهای انرژی و قیمت محصولات کشاورزی در بازار، همراه با خطر رو به افزایش تغییرات آب و هوا احتمالاً در آینده منجر به گرانتر شدن بهای مواد غذایی خواهد شد.

در همین زمینه مجدداً موسسه‌ی بین‌المللی آکسفام (Oxfam) می‌گوید: «قیمت مواد غذایی طی بیست سال آینده بیش از دو برابر خواهد شد. این موسسه پیش‌بینی می‌کند هزینه‌ی تولید محصولات اصلی غذایی تا سال ۲۰۳۰ بین ۱۲۰ تا ۱۸۰ درصد افزایش یابد.» این گزارش گواتمالا، آذربایجان، هند و شرق آفریقا را چهار منطقه حساس می‌شناسد که در آنها "امنیت غذایی" وجود ندارد و مردم برای تغذیه خود دچار مشکل هستند.

با این حال، صرف نظر از مخاطرات پیش‌روی برای استثمار شونده‌گان، نظاره‌گر آنیم که همچنان واپسین تلاش‌های ایدئولوگ‌های بورژوازی و نمایندگان طبقات استثمار کننده به امید رها سازی گریبان این شیوه تولیدی از بحران اخیر سرمایه‌داری ناکام مانده، و علیرغم رجوع به کتاب "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" [۲] و بکارگرفتن توصیه‌های آن یعنی خرید سهام، تزریق پول به اقتصاد کشور یا دادن وام‌های کلان از جیب کارگران و مزدبگیران به صاحبان کمپانی‌های مالی و صنعتی‌ای که ورشکسته شده‌اند یا در حال ورشکستگی‌اند، هنوز نتوانسته‌اند این بحران اقتصادی را متوقف سازند. این لاعلاجی، شکست ایدئولوژی سرمایه‌داری را بطور انکار ناپذیری مدلل ساخته است.

واضح و مبرهن است چنانچه پرولتاریای تمامی کشورها به جنب و جوش درآیند، می‌شود استفاده بهینه‌ای از این اوضاع کرد. تنها پاسخ به چه باید کردها در این برهه‌ی حساس تاریخی، و تنها راه خلاصی از بربریت سرمایه‌داری، فعالیت (پراکسیس)

دست رژیم جمهوری
اسلامی
از جان زندانیان
سیاسی در بند کوتاه!



تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه‌له (تکس)

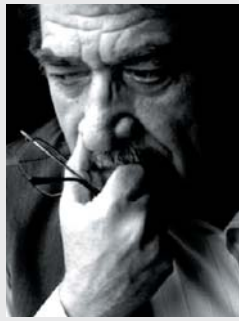
takesh.komalah@gmail.com

انسان می شود موجودی دگر

قطار تاریخ در سیر و سفر + از ینگه دنیا، ایران و خزر
از چین، روسیه، اقیانوسیه + انگلیس و مصر و کوبا و قطر
از هر طوفان و غرنده رعدی + بی هیچ مشکلی می کند گذر
ریل این قطار اندام من است + چشمان و پشت و بازوها و سر
تا بنا نهم اهرام شاهان + کشته م پشته شد، کارم پر خطر
در تف و سرما بیرون کشیدم + از قلب زمین یاقوت احمر
بهره ی رنج روز و شبانم + تحقیر و شلاق، هم خون جگر
با اسپارتاکوس و همزمانش + شوریدم با داس، کمان و سپر
فرو کردم در قلب جانیان + تیر زهر آگین، هم نوک خنجر
بر تیر صلیب شدم آویزان + ولی من ماندم، دشمن در به در
گرچه چون عقاب نگشتم آزاد + چرخاندم چرخ تاریخ بشر
سده ها کشتم میوه و سبزی + پرورش دادم گاو و اسب و خر
خزیدم، رفتم در قعر زمین + بیرون کشیدم سنگ مس و زر
کاخها کردم از خشت پخته + ساروج سیاه، هم سنگ مرمر
خودم در زاغه، رنجور، گرسنه + همراه همسر، دختر و پسر
هزاران شورش به پا کردم من + علیه خان و ارباب بدفر
سپاهی آمد کرور ها کرور + آخوندم آمد با اوراد شر
"اطیع" گفت و با رجم و نفرین + به یادم آورد صحرای محشر
پس از سده ها جنگ و کشمکش + در شهر و دهات، یا کوه و کمر
ویران شد کاخ مالک و ارباب + مفت خوری آمد از آنان بتر
لیکن سوهان خورد چرخهای تاریخ + خزید در زیر تابنده اختر
سرفها من و من ها ما شدیم + آزاده رفتیم در جنگ و حذر
گرچه جنگمان خونین، پیچیده + سلاحش اتم، لیزر و اژدر
گرچه له شدیم لای دنده ها + هم جوانی رفت، هم نور بصر
گرچه رنجمان، دلار و یورو + رفت در حساب مشتی بی هنر
ولی این مائیم، مانده در صحنه + صفی متحد، با جمع رهبر
علیه خصم و جاسوس و ملا + میبریم به پیش، جنگی پر شر
در کمون دیدند رزم و حکم مان + اکتبر آفرید دنیای بهتر
دشمن در معنا رو به شکست است + بهره کش، زبون، زالو، دردسر
به حکم تاریخ و رزم مدام + باطل میکنیم سحر جادوگر
بنا می نهم باغ شقایق + باغی پر از عشق، باغی پر ثمر
قطار تاریخ رو به کهکشان + یا قعر دریا میکند سفر
می گشاید راز از جسم و روان + انسان می شود موجودی دگر

فریدون ناظری

زرگوبیز ۳۱ جولای ۲۰۱۳



چند شعر کوتاه
از شیرگو پی کس

ترجمه: ناصر حق پرست

• تاریکی

در ایران
"مونالیزا"ی تابلوی هنرمندی
به گریه افتاد،
وقتی امام
وادار به روبندش کرد
و عبایش را بر سر او کشید.
_ ۱۹۷۹

• پینک

زیاد هستند چیزهایی
که زنگ می زنند،
از یاد می روند،
و سپس می میرند.
مثل تاج،
شنل،
و تخت پادشاهان!
اما در دنیا هستند چیزهایی که
نمی پوسند،
و از یاد نمی روند.
همچو کلاه،
عصا،
و کفش های "چارلی چاپلین"
_ ۱۹۷۸

• قُرپاآنی

سیلابی به راه افتاد
تا به بالای درختی رسید
با دو سه جوجه ای در آن
درخت در مقابل آب
سینه سپر کرد
تا غروب هنگام
که بازگشت مادر جوجه ها
به هنگام غرق شدن
او آخرین جوجه اش را بر می داشت

_ ۱۹۸۵



به یاد قربانیان کشتار جمعی تابستان شصت و هفت در زندانهای رژیم اسلامی

حیات دادگاه انقلاب سنندج و دهها مکان دیگر دفن کردند. گورستان این عزیزان را لعنت آباد نام نهادند تا به خیال خام خود مردم از آنها دوری جویند. گورستان هایی که بلافاصله به آرمگاه عزیزان فراموش نشدنی تبدیل شدند و به یقین در آینده نه چندان دور به میعادگاه عاشقان راه رهایی بشریت مبدل خواهند شد.

دیری نیاید که خبر این جنایت هولناک در ایران و در خارج کشور پخش شد. مردم ایران که کم کم داشتند تن خسته و فرسوده خود را از زیر آوار جنگ ویرانگر ایران و عراق بیرون می کشیدند متوجه شدند که چه فاجعه ای علیه عزیزان آنها انجام گرفته است. عده انگشت شماری از همزمان قربانیان جنایت تابستان ۶۷ که از آن قتل عام دسته جمعی جان سالم به در برده بودند در خاطرات خود گوشه هایی از سببیت سفاکان و زندانبان و مظلومیت زندانبان در بند و بی دفاع را برای اذهان عمومی بازگو کرده اند. اما هنوز این کل حقیقت نیست. هنوز بخش بزرگی از واقعیات این جنایت از اذهان مردم پنهان است.

بسیاری از آمران و عاملان این جنایت، از دادستان سابق کل کشور تا رئیس دادگاهها و دیگر جانیانی که در فاجعه کشتار زندانبان سیاسی سال ۶۷ جزو بازوان قدرتمند امام در نبرد علیه زندانبان بی دفاع بودند، چند سال بعد لباس اصلاح طلبان حکومتی به تن کردند و برای نجات کشتی توفان زده حکومت اسلامی به تکاپو افتادند که این بار کشتی آنان نیز به گل نشست.

بدون شک سرانجام آن روز فرا خواهد رسید که سران جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاه عدل مردم زجر کشیده ایران به محاکمه کشیده شوند، رازهای سر به مهر جنایات بشماره که مرتکب شده اند بیشتر برملا شود و مجازات شایسته خود را دریافت دارند. جانباختگان قتل عام سال ۶۷ و دیگر جانباختگان راه رهایی بشریت هرگز فراموش نخواهند شد.



و خوشحالی مردم از پایان جنگ را به عزا و سوگواری تبدیل کنند، اما دلیل موجهی برای کشتار مردم کوچه و بازار



نداشتند. سران جمهوری اسلامی که بقول خودشان، حکومت شان محصول پیروزی خون بر شمشیر بود مصمم بودند تا انتقام شکست در جنگ را از مردم ایران بگیرند. آنان برای بقای خود به ریختن خون هرچه بیشتری نیاز داشتند و این بار نیز همچون ۳۰ خرداد ۶۰ شمشیر زهرآلود خود را در زندان ها و علیه زندانبان سیاسی به کار انداختند. از نظر حاکمان ایران مناسب ترین و بی سروصداترین مکان تنها زندان ها بود که هزاران انسان معترض و مبارز و در عین حال بی دفاع در پشت میله های آهنین آن به بند کشیده شده بودند. خمینی با ایجاد کمیته ای مرکب از "نیری" قاضی شرع، "اشراقی" دادستان تهران و "موسوی اردبیلی" دادستان کل کشور و با صدور فتوای مذهبی دستور قتل عام هزاران زندانی سیاسی را صادر کرد. با صدور این فتوا و مامور کردن افراد یاد شده، جانینان حرفه ای همچون "لاجوردی" و "داوری" و دهها جنایتکار دیگر، زندان ها را برای رهبر اسلامی به جبهه جنگی یک طرفه تبدیل کردند و شکست در جبهه را به پیروزی اسلام به دور از انظار مردم در زندان ها تبدیل نمودند. چوبه های دار برپا شد و زندانبان آرمانخواه با گفتن "نه" به جلادان بر دار اعدام آویزان و ننگ تاریخ را بر پیشانی قاتلان حک کردند. هزاران زندانی مبارز و مقاوم بر چوبه دار بوسه زدند، اما در برابر جانینان اسلامی سر تعظیم فرود نیاوردند. خبر این جنایات از رادیو و تلویزیون و مطبوعات پخش نشد. خمینی و شاگردانش تصور کردند که قفل همیشگی استبداد را بر دهان جامعه زده اند. اجساد قربانیان این جنایات را مخفیانه در خاوران تهران، دارالرحمه شیراز، باغ رضوان اصفهان،

مردادماه سال ۱۳۶۷ آغاز اجرای برنامه کشتار زندانبان سیاسی در زندانهای رژیم اسلامی است. در این ماه اجرای یکی از جنایتکارانه ترین سیاست های رژیم اسلامی در زندان ها آغاز شد. اگر جنگ ۸ ساله ایران و عراق به عنوان ابزاری برای سرکوب انقلاب ایران بکار گرفته شد، روزهای ختم جنگ هم برای رژیم فرصت مناسبی بود تا در حالی که توجه افکار عمومی تماما متوجه ختم جنگ بود، بدون سرو صدا، مخفیانه و در فرصت کوتاهی که داشتند یکجا خود را از دست هزاران تن از مخالفین سیاسی خویش خلاص کنند.

بسیاری از آن قربانیان، دوره محکومیت خود را طی کرده بودند و در انتظار آزاد شدن به سر می بردند. دلیل بازداشت بسیاری هنوز ناروشن و در انتظار به اصطلاح تفهیم اتهام بودند. در خارج زندان ها اتفاق بزرگی روی داده بود. جنگ ویرانگر ایران و عراق با ابعاد وسیع تلفات انسانی و خسارت و ضرر و زیان بزرگ اقتصادی و مالی که به تخریب بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی دو طرف منجر گردید با شکست جمهوری اسلامی پایان یافته بود. خمینی کسی که در آغاز جنگ را "نعمت الهی" جار زد، با سرافکندی شکست آن را به سرکشیدن جام زهر تشبیه کرد و قبول نمود.

پایان جنگ برای مردم زجر کشیده ایران، گشایش دریچه امیدی بود که از یکسو می توانستند زندگی عادی و به دور از کشتار و بمباران روزانه را از سر گیرند و از سوی دیگر می توانستند خواست ها و مطالبات انسانی خود را که هر روزه به بهانه جنگ سرکوب می شد، مطرح نمایند. شوق و شادمانی در دل مردم بوجود آمد و شکست و زبونی رژیم اسلامی را نقطه امیدی برای پیشروی مبارزه و تحقق خواست های خود در آینده می دانستند. سران جمهوری اسلامی و در راس همه خمینی و مشاوران اصلی اش رفسنجانی و خامنه ای و دیگر همفکران آنان بر این واقعیات اطلاع کامل داشتند. آنان نقشه مند و آگاهانه تصمیم گرفتند که شادی

نماینده کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

دوشنبه و جمعه از ساعت 19 تا 22 به وقت اروپا

آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
cpi@cpiran.org

وحشت رژیم از طغیان خشم فروخته کارگران

و فراهم ساختن شرایط مناسب برای ورود زنان به بازار کار صحبت کرده است. همانطور که گفته شد همه وعده ها برای جلوگیری از طغیان خشم و نفرت فروخته کارگران است. ترس سران رژیم از خیزش کارگران و مردم محروم امری واقعی است. نمی توان میلیون ها خانواده کارگری را زیر خط فقر، در انتظار نگاه داشت تا بلکه دولت روحانی به تدریج و آهسته آهسته اقداماتی جزئی برای کارگران انجام دهد.

در شرایط کنونی لازم است فعالین کارگری با تلاش در جهت گسترش مبارزات کارگری و با هم مرتبط کردن این مبارزات دولت روحانی را تحت فشار قرار دهند تا به مطالبات کارگران بپردازد. اگر فشار مبارزه کارگران موجود نباشد طبعاً دولت وعده پیاده کردن سیاستهای نئولیبرالی اقتصاد بازار آزاد را عملی خواهد کرد که به نفع سرمایه داران بخش خصوصی است و در این صورت وضع کارگران بدتر خواهد شد. اما با گسترش مبارزات کارگران و تشدید فشار بر دولت روحانی، تحقق بعضی مطالبات اقتصادی کارگران ممکن است. طبعاً هرگونه بهبودی در زندگی کارگران جنبش کارگری ایران را در موقعیت مناسب تری در مبارزه برای به عقب راندن سرمایه داران و دولت حامی آنها در تعرض به حقوق کارگران قرار می دهد. هر بهبودی در زندگی کارگران، جنبش کارگری را در موقعیت بهتری برای تشکیل یابی کارگران و به عقب راندن اختناق سیاسی و سرکوب گری های رژیم قرار می دهد. سالهاست کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی و حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل بی وقفه مبارزه کرده اند. تداوم این مبارزه در شرایطی که بحران سر تا پای نظام سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است بستر بسیار مناسبی برای سازمانیابی و پیشروی جنبش کارگری است.



مطالبات عاجل آنان است. بخشی از رسانه های جمهوری اسلامی و خود مقامات حکومتی در تلاشند تا سیاست نخ نمای منتظر گذاشتن کارگران به لطف بالائیها و حاکمیت را بار دیگر امتحان کنند. آنها به اشکال گوناگون می کوشند برای بهبود شرایط کار و زندگی، کارگران را به لطف دولت روحانی امیدوار کنند. این تلاش ها طبعاً از ترس خیزش کارگران و برای جلوگیری از آن انجام می گیرد.

در جریان تدارک نمایش انتخاباتی مقامات و فرماندهان نظامی و دیگر سران رژیم بارها ترس و نگرانی خود را از امکان خیزش کارگران و طغیان پابرهنگان ابراز داشتند. اکنون ترس و وحشت سران رژیم از گسترش اعتراضات کارگران تشدید شده است و در همین رابطه است که مسئله ترمیم دستمزدها را مطرح کرده اند. لازم است کارگران هر دستاورد احتمالی در این زمینه را نتیجه و محصول مبارزات تاکنونی خود بدانند، اما به آن اکتفا نکنند. دیوان عدالت و دولت روحانی اگر هم دست به ترمیمی در حداقل دستمزد تعیین شده بزنند آنرا بر اساس نرخ تورم اعلام شده و رسمی از جانب بانک مرکزی انجام خواهند داد که ۳۲ درصد است، اما تورم واقعی برای مواد مورد نیاز کارگران چندین برابر رقم مذکور می باشد. بر اساس آمار و شاخص های عینی هزینه تأمین خوراک، پوشاک و مسکن در چند سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد افزایش را نشان می دهد.

روحانی همزمان با وعده ترمیم حداقل دستمزد، وعده ایجاد اشتغال برای جویندگان کار، دادن حقوق بیکاری به بیکاران تا یافتن شغل مناسب، تهیه مسکن ارزان برای خانواده های کم درآمد

خبرگزاری حکومتی "مهر" روز شنبه ۱۹ مردادماه از احتمال ابطال مصوبه حداقل دستمزد سال ۹۲ خبر داد. این خبرگزاری نوشت: "کارگران در حالی منتظر رای دیوان عدالت اداری درباره شکایت از تخلف در افزایش حداقل دستمزد امسال مشمولان قانون کار هستند که به گفته مقامات کارگری، اختلاف مزد و نرخ تورم به بالاترین حد ممکن رسیده است. با این حال، حسن روحانی رئیس جمهور می گوید دولت مصمم است تا این شکاف را پر کند."

کانون همبستگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در فروردین ماه امسال طی شکایتی از دیوان عدالت خواستند تصمیم شورای عالی کار برای حداقل دستمزد سال ۹۲ را باطل کند. شورای عالی کار در ۲۱ اسفند سال ۹۱ حداقل دستمزد کارگران و مشمولان قانون کار برای سال ۹۲ را ۲۵ درصد افزایش دادند. به این طریق حداقل دستمزدی که باید در سال ۹۲ به کارگران پرداخت شود، ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان در ماه تعیین شد.

این مقدار مزد، که چهار مرتبه زیر خط فقر است، از همان ابتدا مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. خانه کارگری های رژیم برای سوار شدن بر موج خشم مزدبگیران و به منظور به انحراف کشاندن اعتراضات کارگران خود را در این اعتراضات سهیم نشان دادند. آنها برای اولین بار در تاریخ تعیین حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار، شکایت نامه ای تنظیم کرده و آن را تحویل دیوان عدالت دادند. حسن روحانی نیز در دوره کارزار "انتخاباتی" وعده داد که فاصله حداقل دستمزد و نرخ اعلام شده و رسمی تورم را ترمیم کند. او پس از پیروزی بر رقبای خود گفت برای پر کردن فاصله بین حداقل دستمزد و تورم رسمی باید کارشناسی انجام گیرد. او به این ترتیب تحقق وعده اش را به زمان نامعلومی حواله داد.

کارگران ایران دارای مطالبات سیاسی و اقتصادی زیادی هستند که داشتن حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم واقعی و برای تأمین یک زندگی مناسب و مرفه یکی از

سایت تلویزیون کومه له



www.tvkomala.com

سایت کومه له



www.komalah.org

سایت حزب کمونیست ایران



www.cpiran.org

از سایت های حزب
کمونیست ایران
و کومه له دیدن
کنید!

پیش بسوی گرامیداشت سی مین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران

در ۱۱ شهریور ۳۰ سال پیش، حزب کمونیست ایران اعلام موجودیت کرد. موجودیتی که رسالت و ضرورتی انقلابی و سیاسی بود در مقابل ضد انقلاب اسلامی که بی رحمانه کمر به قلع و قمع انقلابیون و کمونیست‌ها بسته بود، تولد امید و آرمانی نو بود در مقابل تشنگی و یاس و ناامیدی پوپولیسم چپ. آغازی نو، که رجعتش بازگشت به ضرورت ایفای نقش تاریخی طبقه کارگر در روند اوضاع سیاسی برای ایجاد تغییر بنیادی در جامعه بود.

سه دهه فعالیت این حزب با همه فراز و نشیب‌هایش این واقعیت را از هر زمانی روشن‌تر می‌سازد که این حزب فعالانه به رشد گرایش سوسیالیستی در درون جنبش‌های اجتماعی در ایران یاری رسانده است. تاریخ این حزب که با خون هزاران رزمنده کمونیست عجین گشته است، خدمت به آرمان‌های انسانی و تلاشی صمیمانه است برای تحقق حقوق ستمدیدگان و استثمارشدگان جامعه. در تدارک سی مین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران ما مصمم‌تر از همیشه از همه امکانات مادی و معنوی حزب و کومه‌له، از موقعیت مناسبی که در سال‌های اخیر در جنبش‌های اجتماعی پیدا کرده ایم، بهره می‌بریم تا بتوانیم زمینه‌های رشد و فراگیر شدن تشکل‌های توده‌ای کارگری را که ستون فقرات یک حزب قدرتمند کارگری- کمونیستی خواهد بود، بیشتر سازیم.

حزب کمونیست ایران برای ما ابزار موثری برای رسیدن به این هدف است.



گرامیداشت ۳۰ مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

سخنرانی، پیام سازمانهای سیاسی، شعرخوانی، نمایش فیلم و اسلاید

و همچنین برنامه هنری

شنبه ۲۴ آگوست ساعت: ۲۳ - ۱۷ استکهلم Folketshus Hallunda

شنبه ۱۷ آگوست از ساعت ۱۸,۰۰ کلن: آلمان،

Naturfreundehaus Köln Kalk-Kapellenstr ۵a